

رشد

ما حامی آموزشی، تحصیلی و اخلاقی رسانی
برای آموزگاران، دانشجو معلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوری پیست وبشجر | پهنه ۱۶۶۰ | شماره یی دربی ۱۲۱/۲۸ صفحه
۵۳۰۰ ریال www.roshdmag.ir

**براشی
نقشه دارم**

● به وقت ۹:۲۷

● با دخترم هم کلاس



برای حفظ اشتیاق خود به آموزگاری:

- انعطاف پذیر و به روز باشید.
- برای یادگیری کنجکاو باشید.
- همواره از دانش آموزان خود بیاموزید.
- ساختار ذهنی تان را رشد محور کنید.
- بزرگان دینی و فرهنگی خود را الگو قرار دهید.
- برای کلاس خود تفریح و سرگرمی در نظر بگیرید.
- منحصربه فرد بودن هر دانش آموز را به رسمیت بشناسید.
- از تغییر استقبال کنید و پذیرای موضوعات جدید باشید.
- تلاش کنید در زمینه‌ی آموزش با افراد متعددی در ارتباط باشید.
- در همایش‌های مربوط به ارتقا و پیشرفت رابطی معلم با دانش آموز شرکت کنید.
- باور داشته باشید شما از مهم‌ترین افرادی هستید که می‌توانید در زندگی تک‌تک دانش آموزانتان تغییر ایجاد کنید.

آموزشی ابتداری

رشد



ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی
برای آموزگاران، دانشجومعلم‌ان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوره‌ی بیست و پنجم | بهمن ۱۴۰۰ | شماره‌ی پی‌درپی ۱۲۰۲ | ۴۸ صفحه | ۵۳۰۰۰ ریال
www.roshdmag.ir



نظراتان را درباره‌ی
مجله اعلام کنید.

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی



فهرست

- ۲ حرکت انقلابی - اسلامی | کبری محمودی
- ۳ به وقت ۹:۲۷ | زهرا نظام‌الدینی
- ۴ تغییر سطح نزاع | طاهره ملک‌زاده
- ۶ عصر مدارا | ابراهیم اصلانی
- ۸ چراغ راه آینده | مریم شهرآبادی
- ۱۰ در عیش مدرسه | زهرا نصیری
- ۱۲ تنها تغییر است که تغییر نمی‌کند | مرتضی مجدفر
- ۱۴ بازی با بازی | تمنا رستگار
- ۱۶ سرزمین عجایب | حانیه سورگی
- ۱۸ ندریس معکوس | زهرا ملاعلی‌نژاد
- ۱۹ مداد مریم | ماهدخت قنبرهراتی
- ۲۰ خوب بسنیم | سیده ثریا آقابورحسینی کجور
- ۲۱ با دخترم هم‌کلاس | فریا مؤیدنیا
- ۲۲ شادترش کنیم | طاهره کریمی‌شال
- ۲۴ تربیت فناورانه | فاطمه دولتی
- ۲۶ فیلمش می‌کنم | کبری محمودی
- ۲۸ مصمم هستیم | لیلا سلیقه‌دار
- ۳۰ پراش نقشه دارم | معصومه فرهوش
- ۳۲ تخته‌ی سرامیکی | الهام فراستی
- ۳۴ یونس آموزگار | علی‌اصغر مداحی
- ۳۶ از کجا می‌دونی؟ | سیدغلامرضا فلسفی
- ۳۸ به سوی آرامش | سعیده نادرپور
- ۴۰ نقشه‌های گنج | عاطفه فرهادی
- ۴۲ آموزگاران چه می‌گویند؟ | مریم شهرآبادی
- ۴۴ گاه آزمایش | احمدرضا اعرابی
- ۴۶ اولیای توانمند کم نداریم | ام‌لیلا صمدی
- ۴۸ دوشنبه‌های طلایی | اعظم لاریجانی



اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجه



فرم اشتراک مجله



مدیر مسئول: محمد صالح مذبئی

سر دبیر: کبری محمودی

شورای برنامه‌ریزی: مزگان آژیده، مهشید باستانی‌پورمقدم،

محمدعلی قربانی، مرتضی مجدفر و اصغر ندیری

مدیر داخلی: مریم شهرآبادی

ویراستار: زهرا نظام‌الدینی

مدیر هنری: کوروش پارسا نژاد

طراح گرافیک: وحیدحقی

دبیر عکس: اعظم لاریجانی

نشانی دفتر مجله: تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶

تلفن: ۰۲۱ - ۸۸۸۳۹۱۷۸

۰۲۱ - ۸۸۸۳۱۱۶۱ (داخلی ۵۱۱)

نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

وبگاه اختصاصی: www.eb.roshdmag.ir

وبگاه: www.roshdmag.ir

رایانامه: ebtedayi@roshdmag.ir

چاپ و توزیع: شرکت افست

صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱

تلفن امور مشترکین: ۰۲۱ - ۸۸۸۶۷۳۰۸

قابل توجه نویسندگان و مترجمان

مقاله‌ای که برای درج در مجله می‌فرستید:

● با اهداف و رویکردهای آموزشی - تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشد.

● قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد.

● در حد ۱۲۰۰ کلمه و خلاصه‌ای علمی - آموزشی باشد.

● در قالب «ورد» و از طریق پیام‌نگار و راه‌های ارتباطی مجله فرستاده شود.

● روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد.

● محل قرارگرفتن جدول، شکل و عکس در متن مشخص شود.

● چکیده داشته باشد یا هدف‌ها و پیام‌نویسار در چند سطر تنظیم شود.

● معرفی‌نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم، عنوان و آثار وی پیوست شود.

● اگر ترجمه است، متن اصلی نیز همراه آن باشد.

لازم به ذکر است:

● مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌ی رسیده مختار است.

● مقاله‌ی دریافتی بازگردانده نمی‌شود.

● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر دفتر انتشارات و فناوری آموزشی نیست و مسئولیت پاسخ‌گویی به پرسش‌های خوانندگان یا خود نویسنده یا مترجم است.

● عکس‌های مدرسه‌ای تان را منتشر می‌کنیم.

● عکس‌های مدرسه‌هایی که در مجله می‌بینید، قبل از دوران شیوع کرونا گرفته شده‌اند.

حرکت انقلابی - اسلامی



کبری محمودی

روزهای بهمن دههی هفتاد شیرین بودند. از اواخر دی‌ماه، یکی از تفریحاتمان این بود که به بهانه‌ی تمرین برنامه‌های گروهی دههی فجر، از جمله سرود، نمایش و حتی دکلمه، ساعت‌هایی از درس را از معلم کلاس اجازه بگیریم و با مربی تربیتی، در کتابخانه یا نمازخانه مشغول تمرین شویم. به ۱۲ بهمن که نزدیک می‌شدیم، دیگر تمام فکر و ذکرمان این بود که مراسم را چطور هیجان‌انگیزتر و واقعی‌تر برگزار کنیم. چون خودمان روزهای انقلاب اسلامی را از نزدیک لمس نکرده بودیم، دوست داشتیم به مراسم رنگ واقعیت بدهیم.

شاید شما هم آن روزها را ندیده باشید، اما همگی بارها داستان آن را شنیده‌ایم. چهل‌وسه سال پیش، مردم ایران انقلابی از نوع اسلامی را تجربه کردند. ویروس استعمار در جای‌جای شهر رخنه کرده و راه نفس را بر همگان بسته بود.

ترس، خفقان و خودرأیی راه‌گلوئی آزادی را چنان بسته بود که برادر از برادر می‌هراسید. محبت را در اتقاق‌های در بسته قرنطینه کرده بودند تا رنگ کشور را نبینند. استقلال و هویت‌مان نفس‌های آخرش را می‌کشید. باید اتفاقی رخ می‌داد؛ اتفاقی که کابوس آشنای هر شب شهر را تسلی می‌داد. باید با سلاحی قوی‌تر از گلوله به نبرد با دشمنی می‌رفتیم که بر جان‌هایمان نشسته بود. شاید شما هم آن روزها را ندیده باشید! روزهای آخر حکومت پهلوی، مردم، در اقدامی هماهنگ، مشق عشق می‌کردند. کوچه‌به‌کوچه شهر بوی شهادت می‌گرفت.

شاید شما هم آن روزها را ندیده باشید! چهل‌وسه سال پیش، مردم نجیب ایران با دست‌های درهم تنیده و مشت‌های گره‌کرده برخاستند تا هویت بر بادرفته‌شان را به دست آورند و این اعجاز بزرگ قرن را به رخ جهانیان بکشند. بهترین راه نجات را اتحاد دیدند و مشت‌هایی که با هم گره کردند و شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی سر دادند.

برای آشنایی بیشتر با چند و چون تفهیم چیستی انقلاب اسلامی ایران به دانش‌آموزان، می‌توانید کتاب‌هایی را که در صفحه‌های ۸ تا ۱۹ این شماره از مجله معرفی کرده‌ایم، به دانش‌آموزانی که آن روزها را ندیده‌اند، معرفی کنید.

آیندازی

بهمن‌ماه
دوره‌ی بیست و پنجم
شماره‌ی ۱۴۰۰/۵

به وقت ۹:۲۷



زهره نظام‌الدینی

اول بهمن؛ تولد فردوسی

از فردوسی که سخن می‌گوییم، بی‌تردید غروری تحسین‌برانگیز سراپای وجودمان را فرا می‌گیرد؛ نامی که به‌خاطر شاهنامه‌اش، با عظمت و سربلندی ایران عجین شده است و هویتمان را به رخ جهانیان می‌کشد. زیستن در سرزمینی که فردوسی زیسته است، افتخار کمی نیست. جا دارد اذعان کنیم، وقتی نگاه به عقب برمی‌گردانیم، باید به فکر فرو رویم و با خود بگوییم: «ما کم مردمی نبوده‌ایم!» (اسلامی ندوشن، ۱۳۹۶).

چهارم بهمن؛ تولد حضرت فاطمه‌ی زهرا (س)

فرمان از عالم بالا رسیده بود. خود جبرائیل پیام‌آور بود. خدا محمدش را تنها می‌خواست؛ تنهای تنها، بی‌هیچ تعلقی، جدا از همه‌ی وابستگی‌ها. اتفاق بزرگی در راه بود! در ریگزار ابطح، کنار علی (ع) و عمار و عباس و حمزه، نشسته بود که جبرائیل در هیبتی عظیم بر او وارد شد. این عظمت نشان از پیغامی خاص داشت: «یا محمد، خداوند بر تو سلام می‌رساند و به تو دستور می‌دهد که چهل روز از خدیجه فاصله بگیری.»

خدیجه را بی‌نهایت دوست داشت و این محبت ستودنی بود. اکنون محمدی که دلباخته‌ی همسر خویش است، باید پیام خدا را به‌هم‌سفر زندگی‌اش برساند: «خدیجه‌ی من، گمان مبر که از تو دل بریده‌ام و تو را رها کرده‌ام، آنچه انجام می‌دهم، فرمان خداست. تو به نیکی از آن یاد کن و بدان که خدا و فرشتگانش هر روز در آسمان‌ها به تو افتخار می‌کنند.»

محمد (ص) به میعادگاه می‌رود. نقشه‌ی راه این چهل روز، برایش فرستاده می‌شود: «روزها را روزه بگیر و شب‌ها را به عبادت پرداز.» پیامبر (ص) با خود می‌اندیشد که بی‌تردید اتفاق بزرگی در راه است؛ آن‌قدر بزرگ که ظرفیت پیامبر با تمام عظمتش هنوز باید عظیم‌تر شود. بعد از چهل روز، میقات پروردگار به پایان می‌رسد. باز جبرائیل فرود می‌آید، سلام خدا را ابلاغ می‌کند و مژده‌ی هدیه و تحفه‌ای را از جانب خداوند به پیامبر (ص) می‌دهد؛ تحفه‌ای که هیچ‌کس جز خود خدا از آن آگاه نیست؛ مانده‌ای آسمانی بر پیامبر (ص) نازل می‌شود تا افطار کند... بی‌تردید اتفاق بزرگی در راه است (مجلسی، بی‌تا: ۷۸-۷۹).

۲۶ بهمن؛ ولادت امام علی (ع)

۱۳ رجب مصادف با تولد مردی است که آفریده شد تا ولی خدا شناخته شود؛ مردی که کعبه در عظمتش شکافت تا سر درون خانه آشکار شود.



۱۸ تا ۱۹ رجب؛ درخشش ستارگان پرنور

بعضی روزها عجیب بوی خدا می‌دهند. چشم که باز می‌کنی، انگار باران رحمت است که بر سرت می‌بارد. بعضی روزها از همان طلوع آفتابش پرچم سفید کائنات بالا می‌رود. همه‌چیز در صلح مطلق است. شاید آن هنگام گوش‌هایت صدایی آسمانی را بشنوند که زمزمه می‌کند: «کجایند آن‌ها که از جنس نورند؟» در روایات، رجب به‌معنی «یزان» آمده است، زیرا ماه بارش رحمت الهی است. افزون بر طراوت، برکت و رحمتی که در تمام ثانیه‌های این ماه جاری است، وجود پربرکت بزرگوارانی که خود منبع جود و کرم‌اند، آسمان این ماه را زیباتر و درخشان‌تر کرده است.

شروع این ماه با ولادت امام محمدباقر (ع) عطرآگین می‌شود.

سوم رجب به سوگ شهادت امام هادی (ع) می‌نشیند و یادش را در سطر به‌سطر زیارت جامع‌ای که از ایشان نقل شده است، گرامی می‌دارد. ماه به نیمه نرسیده، ولادت امام جواد (ع) شور و شوقی را مهمان دل‌هایمان می‌کند. در آخر، با طلوع پربرکت مولای متقیان، حضرت علی (ع)، خورشید ولایت در پهنای آسمان رجب دامن می‌گستراند. این روز به یمن قدم‌های مولا (ع) «روز پدر» نام گرفته است. نیمه‌ی ماه هم مهمان زینب (س) است.

بهمن؛ ماه تا ابد جاودان

۱۲ بهمن ۱۳۵۷ است. جهانی منتظر شنیدن این خبرند که هواپیمای حامل امام (ره) چه زمانی بر زمین می‌نشیند. مردم اطراف فرودگاه به انتظار نشستند. خیابان‌ها را با طاق نصرت و گل آذین بسته‌اند. در قلب استقبال کنندگان شادی و اضطراب موج می‌زند، و بالاخره فجر انقلاب اسلامی ایران در ساعت ۹:۲۷:۳۰ صبح طلوع می‌کند. روح‌الله پا به خاک وطن می‌گذارد و غریو صدای الله‌اکبر، آسمان ایران را نوبران می‌کند. امام آرام و مطمئن گام بر می‌دارد و می‌رود تا لیالی عشر را رقم زند و در ۲۲ بهمن‌ماه، آغاز حکومت اسلامی ایران را به جهانیان اعلام کند.

تغییر سطح نزاع

مروری بر صحبت‌های معلمان در دوره‌های مدرسه‌ای



طاهره ملک‌زاده
مدیر دبستان

روزهای سال تحصیلی یکی پس از دیگری می‌گذشتند و مسائل و دغدغه‌های زیادی نگاه و ذهن معلم‌ها را درگیر می‌کرد. هر روز بحث‌های متعدد و متنوعی، در زنگ تفریح، در دفتر مدرسه در می‌گرفت. دیگر نمی‌توانستم این وضعیت را تحمل کنم، موضوع‌های مطرح‌شده آزارم می‌داد. ناگفته نماند، مسائلی که مطرح می‌شد، مبتلا به همه‌ی همکاران و تمام مدرسه‌ها

بود؛ بحث‌هایی چون رتبه‌بندی معلمان، فوق‌العاده‌ی ویژه‌ی مدرسه‌های هیئت امنایی، چگونگی قسر در رفتن از آزمون صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان، مسئله‌ی صبحانه‌ی مدرسه و کیفیت نان و پنیر و مخلفات کنار میز صبحانه و حتی بازی استقلال و پرسپولیس.

من اما دوست داشتم بحث‌های جدیدتری مطرح شوند. راضی نبودم از اینکه همه‌ی دغدغه‌های معلم حول و حوش این قبیل

سخن‌ها بچرخد. در جایی خوانده بودم، اگر وارد دفتر مدرسه‌ای شدید و آموزگاران و کارکنان مدرسه را در حال گفت‌وگو درباره‌ی موضوعی مشاهده کردید، می‌توانید به سطح نزاع معلم‌ها پی ببرید. منظور از سطح نزاع دعا و درگیری نیست، مهم دغدغه‌ای است که همکاران مدرسه دارند و این تغییر سطح نزاع، یکی از سرفصل‌های حرکت به سمت‌وسوی منش معلمی است.^۱ این قبیل بحث‌ها و مسئله‌هایی که در گفت‌وگوهای همکاران مطرح می‌شد، به‌شدت ذهنم را درگیر کرده بود و به‌دنبال راه‌فراری برای خروج از قضیه بودم. بالاخره یکی از روزها که بحث داغ شده بود، زیرکانه وارد گفت‌وگوی همکاران شدم و فقط با بیتی شعر از گلستان سعدی، حواس همکاران را متوجه خودم کردم:

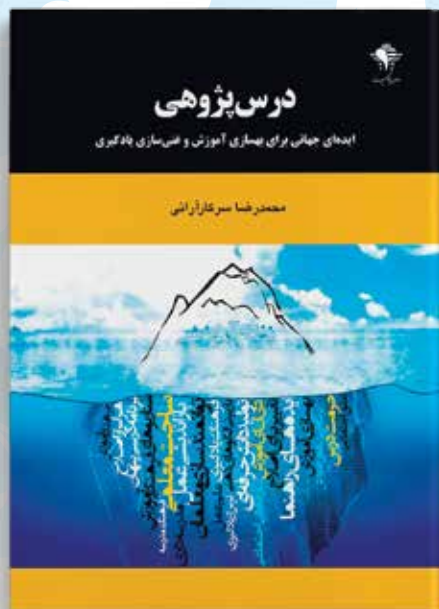
«اندازه نگاه‌دار که اندازه نکوست
هم لایق دشمن است و هم لایق دوست».

بعد پرسیدم: «به‌نظر شما ارتباط این بیت



پیشگفتار: ۱. برای آگاهی بیشتر درباره‌ی تغییر سطح نزاع معلمان مراجعه کنید به: سرکار آرائی، محمدرضا، درس پژوهی، تهران: مرکز مدارس یادگیرنده، (۱۳۹۸).

این کتاب مورد تأیید واحد «سماان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی» دفتر انتشارات و فناوری آموزشی است.



با بحث‌های معلمان در دفتر مدرسه‌ی ما چیست؟»

نگاه همکاران متفاوت شده بود. همه می‌خواستند بپرسند منظورم چیست. همه‌ی همکاران منتظر بودند خانم‌ایزدی، با توجه به همراهی فکری‌اش با من و اینکه غالباً در بحث‌های داخل دفتر شرکت نمی‌کند، موضوع را بشکافد.

خانم‌ایزدی هم همین‌طور عمل کرد و گفت: «اگر اجازه بدهید، من توضیح بدهم. همکاران عزیز، هر روز در زنگ تفریح به مسائل و مواردی می‌پردازیم که در دنیای تعلیم و تربیت مدرسه‌ای جایگاه مهمی ندارند و در عین حال سودی هم برایمان ندارد. خوب است در این باره از حد و اندازه خارج نشویم و مقداری هم به اموری بپردازیم که

هر هفته، راجع به یکی از آن‌ها بحث کنیم. با این ترفند، هم بحث‌های زنگ تفریح را هدفمند کرده‌ایم و هم به موضوع‌های آموزشی و تربیتی بیشتر پرداخته‌ایم. حتی می‌توانیم به‌صورت هم‌پایه با هدف آغاز درس‌پژوهی و موردپژوهی هم به موضوع نگاه کنیم. البته درست نیست که به‌طور کلی از بحث‌های روزمره دست برداریم. بالاخره ما انسانیم و نیازهای متفاوتی داریم که باید راجع به آن‌ها صحبت کنیم.»

از اینکه خانم‌ایزدی دوباره یاورم شده بود، خدا را شاکر بودم. از او تشکر کردم و قول دادم قفسه‌ی کتاب‌های تربیتی را هرچه سریع‌تر راه بیندازم.

زنگ تفریح به پایان رسید و همکاران راهی کلاس‌ها شدند. ادامه‌ی آن روز حس خوبی داشتم و به موضوعاتی فکر می‌کردم که همواره با آموزش و پرورش ارتباط داشته باشند.

دغدغه‌ی صاحب‌نظران تعلیم و تربیت است و به ذی‌نفعان آموزشی توجه دارد.»

گفتم: «خانم‌ایزدی‌جان، توضیحات شما درست است، ولی چگونه به این سمت حرکت کنیم؟»

خانم‌ایزدی گفت: «قفسه‌ای متشکل از کتاب‌ها و نشریه‌های روز تعلیم و تربیت را در راهروی طبقه‌ی اول، نزدیک دفتر معلمان، قرار دهیم و به انتخاب همکاران، هر هفته موضوعی را به‌عنوان سطح نزاع معلمان مدرسه به بحث بگذاریم. یا از کتاب‌ها و نشریه‌های داخل قفسه، موضوعات آموزشی و تربیتی را انتخاب و به قید قرعه، هر روز یا

عصر مدارا

انگیزش بعد از ارتباط در دنیای مجازی



امیر ابراهیم اصلانی
روان‌شناس تربیتی

همان‌گونه که همه انتظار داشتیم، دنیای بعد از کرونا دنیای دیگری خواهد بود و در خیلی از رابطه‌ها، عادت‌ها و مناسبت‌های گذشته تغییرات عمده‌ای ایجاد خواهد شد. یکی از تغییراتی که باید درباره‌ی آن پیش‌بینی‌هایی داشته باشیم، روابط انسانی بعد از کرونا در مدرسه است. بعد از حدود دو سال دوری دانش‌آموزان از مدرسه، بچه‌ها با چه روحیه‌ای به مدرسه باز گشته‌اند؟ مدیر و معلمان چگونه رفتار می‌کنند و چقدر می‌توانند با وضعیت جدید سازگار شوند؟ لزوم برنامه‌ریزی و آگاهی در مورد رفتارهای انگیزشی بعد از کرونا جدی است.

باید مهربان‌تر می‌شدیم

حدود دو سال، دور از هم و در دنیای مجازی سیر کردیم. فارغ از اصطلاح نه‌چندان درست «دوری و دوستی»، حالا که قرار است دوری‌ها کم شوند، چقدر از دیدن هم استقبال خواهیم کرد؟ شاید سؤال ساده‌ای باشد، اما اصلاً جواب ساده‌ای ندارد. اگر بیست سال پیش چنین اتفاقی می‌افتاد، به‌طور حتم می‌توانیم بگوییم مردم برای دیدن همدیگر و مراودات روزمره بی‌تاب می‌شدند و هنگام دیدار اشک شوق می‌ریختند، اما الان بیست سال پیش نیست. بیشتر معلم‌ها و بچه‌هایی که بعد از حدود دو سال دوری به مدرسه بازمی‌گردند، ساعت‌ها و روزها را در فضای مجازی سپری کرده‌اند و حداقل در دنیای مجازی خوش بوده‌اند که با دیگران ارتباط داشته‌اند.

بله! اگر بیست سال پیش بود، باید بعد از کرونا مهربان‌تر می‌شدیم، اما یادمان باشد که وضعیت دنیا و زندگی امروز متفاوت است. می‌خواهم یادآوری کنم که شاید لازم باشد، انتظارات و تصورات

چه پیش خواهد آمد؟

سال‌ها پیش جایی خواندم یکی از دلایلی که باعث شد مردم انگلستان، بعد از جنگ جهانی دوم، به تربیت توجه بیشتری نشان بدهند، این بود که مردم بعد از جنگ مهربان‌تر شده بودند و قدر زندگی و یکدیگر را بیشتر می‌دانستند.

تجربه‌های دیگر جهانی هم نشان می‌دهند که بعد از رویدادی هولناک، روحیه‌ی نوع‌دوستی و مهربانی بین مردم تقویت می‌شود.

شیوع بیماری کرونا نه فقط بحرانی ملی، بلکه فاجعه‌ای جهانی بود. در موقعیتی از تاریخ بشر که علم و فناوری پیشرفت‌های عجیبی را به ارمغان آورده است، ناگهان پدیده‌ای ظهور کرد که معادلات بهداشت و سلامت را در همه‌ی کشورها به هم ریخت. هم‌اکنون، طبق اخبار، کرونا دارد فروکش می‌کند و امیدواریم وضعیت هرچه زودتر به‌گونه‌ای شود که مردم بدون ترس از بیماری و اجبار به فاصله‌ی اجتماعی، به زندگی‌شان ادامه دهند. با استناد به

تجربه‌های پیشین و بر اساس پیش‌فرض، انتظار می‌رود بعد از اتمام کرونا، مهربان‌تر شویم. بیا بید مدرسه‌ی بعد از اتمام واقعی کرونا را از نظر مسائل عاطفی و انگیزشی تصور کنیم؛ چه پیش خواهد آمد و اصولاً چه وضعیتی مناسب‌تر است؟

تمرین اول

چند سؤال کمی عجیب:

- کرونا بر رفتارهای انگیزشی معلمان چه تأثیری گذاشته است؟
- با توجه به فاصله‌ی طولانی دور بودن دانش‌آموزان از مدرسه، انتظار می‌رود تغییرات روابط انسانی در مدرسه مثبت باشد یا منفی؟
- دانش‌آموزان در بازگشت به مدرسه، از معلمان انتظار چه رفتارهایی را دارند؟



توصیه‌های انگیزشی پساکروناوی

● بچه‌ها بسیار بیش از گذشته به توجه و مهریانی نیاز دارند. دلایل این نیاز زیاد است. خیلی از آن‌ها غرق در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی بوده‌اند و لذت ارتباط مؤثر به معنای واقعی را از دست داده‌اند. اگر در مدرسه هم به‌سودی از آنان استقبال شود یا حتی برخورد هادف‌کارانه باشد، باز به همان دنیای مجازی پناه خواهند برد. همچنین، شاید عده‌ای از دانش‌آموزان تجربه‌های بدی در درایم کرونا پشت سر گذاشته باشند، مثلاً بیماری خانواده و خودشان، مرگ عزیزان، ترس‌ها و کابوس‌ها و غیره. آنان به روابط گرم و پذیرا نیاز دارند و منتظر آغوش باز مدرسه هستند.

● ماجرای «تا نباشد چوب تر، فرمان نبرد...» را حتماً به یاد دارید. زمانی بود که از دید مربیان و والدین روش‌های منفی در انگیزش کارایی بیشتری داشت و آن‌ها ترجیح می‌دادند قدرت و سلطه‌ی خود را در انگیزش هم به کار بگیرند. بیشتر مربیان و والدین در کارشان حسن‌نیت داشتند و تصور می‌کردند از این طریق، هم زودتر به نتیجه‌ی مطلوب تربیتی می‌رسند و هم چنین روش‌هایی به نفع فرزندان هستند و به آنان در نظم و مسئولیت‌پذیری کمک می‌کنند. الان کم‌وبیش وضعیت تغییر کرده است و روش‌های مثبت انگیزشی کاربرد بیشتری یافته‌اند، اما با این همه، روش‌های منفی همچنان مشتریان خود را دارند. در هر حال، شرایط پساکروناوی اصلاً موقعیت مناسبی برای روش‌های غیراثربخش نیست. مراقب باشید با بعضی سخت‌گیری‌ها و کج‌خلقی‌ها بچه‌ها را از خود نرانید و فاصله‌ها را بیشتر نکنید. چوب تر اگر در نسل ما کاربرد داشت، بعید می‌دانم برای نسل حاضر کارایی داشته باشد.

● بعد از مدت‌ها دوری بچه‌ها از چارچوب‌ها، مقررات و قوانین انضباطی، آن‌ها نمی‌توانند و شاید هم نخواهند به عادت‌های پیشین بازگردند. واداشتن دانش‌آموزان به ضابطه‌های رایج گذشته با توجه ضرورت نظم و انضباط، چندان منطقی نیست و چه‌بسا به مقاومت آنان و حتی بروز تنش منجر شود. کمی حوصله کنید؛ حوصله‌ی

خود را درباره‌ی آنچه پیش روست، تعدیل کنیم و مهم‌تر از همه، خودمان دسته‌گل به آب ندهیم!

در دوران کرونا، فناوری ارتباطی مدرن اگرچه به‌ظاهر در حل و کاهش برخی از مشکلات ارتباطی و اجتماعی مؤثر بود، اما ما را به خانه‌نشینی و دوری و دوستی عادت داد و شاید از جهتی نیز ما را دچار ترس و اضطراب و افسردگی کرد. ارتباط مؤثر در دنیای انسانی به معنای رابطه‌ی زنده و چهره‌به‌چهره است و نه ارتباط در قالب تصویر و شبکه‌های اجتماعی. بعد از کرونا به زندگی اجتماعی بازمی‌گردیم، اما به احتمال زیاد در وضعیتی معیوب و با روابطی تضعیف‌شده. بنابراین، باید درک بهتری از ارتباط داشته باشیم تا هم به خودمان و هم به دانش‌آموزان کمک کنیم.

زنده‌یاد شعاری نژاد در بحثی با عنوان «نقش‌های روان‌شناسانه‌ی معلم»، تأکید می‌کند که معلم راهبر سلامت روان‌شناختی دانش‌آموزان است و بنابراین باید فکر سلامت روان‌شناختی و فکری خودش باشد.

همراه با ملایمت و آرامش و مهریانی، تا بچه‌ها بفهمند شما وضعیت جدید را درک می‌کنید و تارسیدن به مرحله‌ی سازگاری دوطرفه، همراهشان هستید.

● «مدارا» یکی از رمزهای ارتباط مؤثر و موفق است و برای انگیزش پساکروناوی بسیار ضروری و مفید است. در برابر ناشیگری‌ها، اشتباه‌ها، دیرفهمی‌ها، تنبلی‌ها، کج‌رفتاری‌ها و حتی شرارت‌های احتمالی بچه‌ها، تا جایی که امکان دارد، مدارا پیشه کنید. نشان دهید بر اوضاع اشراف دارید، ولی دوست دارید سخت نگیرید و مهربان باشید.

اگر اهل مدارا نباشید و این روحیه را در خود تقویت نکنید، چه‌بسا درگیری‌ها و اشتباه‌های کوچک بچه‌ها به تندی و تنش بینجامد و تحقیر، توهین، تنبیه و بی‌احترامی در پی داشته باشد.

● اگر مدیر هستید، مراقب جو مدرسه و اگر معلم هستید، مراقب جو کلاس باشید. شادبودن در این اوضاع شاید کمی دشوار باشد، ولی بچه‌ها به کسانی نیاز دارند که عامل انتقال و توزیع حال خوب هستند. کرونا باعث خانه‌نشینی شد، خود دانش‌آموزان که مسبب این وضعیت نبودند. اگر تا اینجا کار دست خودمان نبود، بعد از این را به‌درستی مدیریت کنیم. ارتباط مؤثر، پذیرش همدیگر و مهریانی با همه، کلیدهای شفاف‌بخش روزهای آتی ما هستند.

تمرین دوم

الان وقت خودارزیابی است:

- برای بازگشت به مدرسه، دیدار همکاران طبق رویه‌ی قبل و نه به‌شکل پراکنده و اتفاقی، و مواجهه با دانش‌آموزانتان، در خودتان چه روحیه‌ای را سراغ دارید؟
- آیا تصور می‌کنید همچون گذشته حال و حوصله‌ی بچه‌ها و مشکلات احتمالی آنان را خواهید داشت؟
- برای ارتباط مؤثر و به‌دست‌گرفتن رهبری سلامت روان‌شناختی خود و دانش‌آموزان چه باید بکنید؟



عکاس: بهزاد نعمتی، کردستان؛ یازدهمین جشنواره‌ی عکس رشد

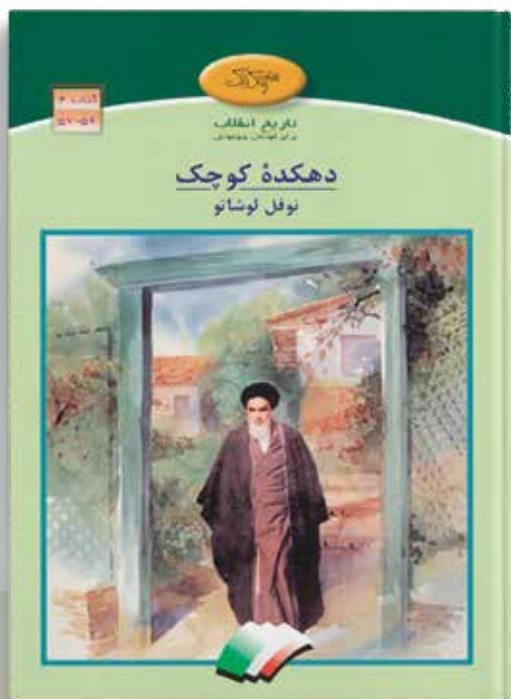
چراغ راه آینده



مریم شهرآبادی
کارشناس آموزش ابتدایی

انقلاب اسلامی ایران را نه تنها کودکان نسل امروز ندیده‌اند، بلکه برخی از پدران و مادرانشان نیز تجربه نکرده‌اند. با گذشت دو نسل از انقلاب، احتمال ناآشنایی با چند و چون آن بیشتر می‌شود. اما خوش‌بختانه در این باره کتاب‌ها و منابع بسیاری مکتوب شده‌اند که می‌توانند اطلاعات مستندی به جویندگان مشتاق بدهند. در این دو صفحه چند کتاب معتبر مخصوص کودکان دوره‌ی ابتدایی را که «واحد سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی مکتوب» سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش تأیید کرده است، به شما آموزگار محترم معرفی می‌کنیم. این کتاب‌ها در شناساندن چگونگی انقلاب اسلامی ایران به دانش‌آموزان مفید خواهند بود. می‌توانید از فرصت روزهای بهمن‌ماه استفاده کنید و بخش‌هایی از کتاب‌ها را در کلاس بخوانید یا به دانش‌آموزانتان معرفی کنید.

انتشارات تاریخ و فرهنگ مجموعه‌ای چندجلدی را با عنوان کلی «تاریخ انقلاب» منتشر کرده است که چند جلد از آن‌ها به‌خصوص به موضوع انقلاب اسلامی اختصاص دارند:



تاریخ انقلاب (۱)

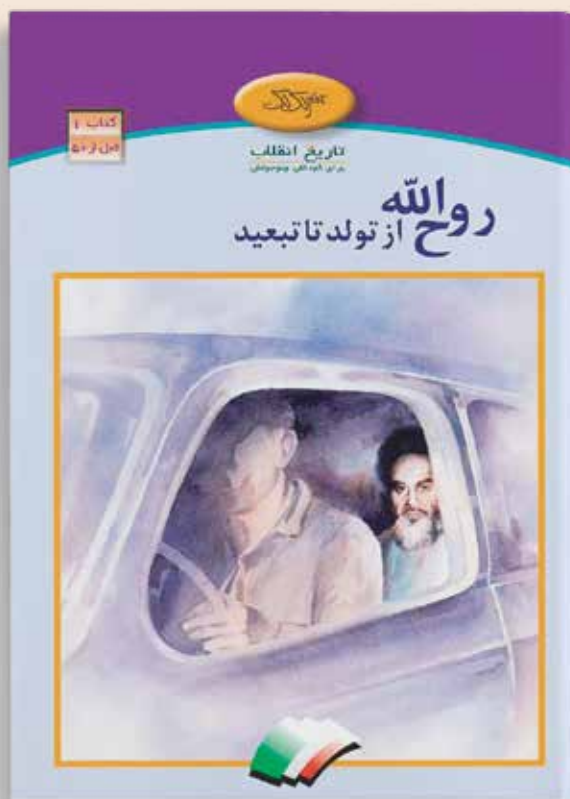
روح‌الله از تولد تا تبعید

نویسنده: محمدرضا شمس

سال چاپ: ۱۳۷۸

گروه سنی: اول، دوم، سوم

در کتاب حاضر، مخاطب با زندگی‌نامه و مبارزات سیاسی رهبر کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی(ره)، تا زمان تبعید ایشان به عراق، آشنا می‌شود. علاوه بر آن درباره‌ی «ویژگی‌های شخصیتی، تقوا، تحصیلات، مبارزات سیاسی، واقعه ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲، اعتراض امام به لایحه استعماری کاپیتولاسیون و نحوه تبعید حضرت امام به عراق» همراه با تصویرهایی از دوره‌های یادشده، مطالبی می‌خواند.



تاریخ انقلاب (۲)

دهکده‌ی کوچک نوفل لوشاتو

نویسنده: محمدرضا شمس

سال چاپ: ۱۳۷۸

گروه سنی: اول، دوم، سوم

این کتاب با هدف شناساندن پاره‌ای از وقایع تاریخ انقلاب شکوهمند اسلامی ایران و رهبری نهضت امام خمینی (ره) به چاپ رسیده است. در این جلد، خوانندگان با وقایع پیش از انقلاب و بخش‌هایی از تاریخ انقلاب آشنا می‌شوند. مؤلف کوشیده است به «جشن‌های شاهنشاهی، خودکامگی شاه، تاریخ شاهنشاهی، فضای باز سیاسی، یادی از جهان پهلوان تختی و دکتر شریعتی، آتش گرفتن سینما رکس آبادان، دولت آشتی ملی، جمعه‌ی خونین، سیزده آبان و شروع اعتصابات» اشاره کند.

تاریخ انقلاب (۳)

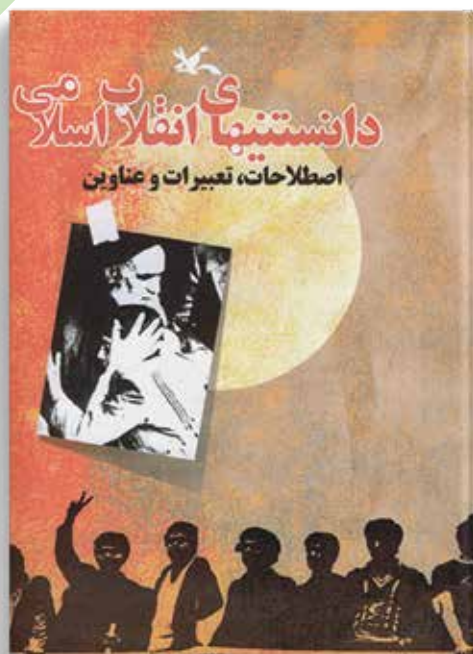
پرواز ۴۷۲۱ پاریس-تهران

نویسنده: محمدرضا شمس

سال چاپ: ۱۳۷۸

گروه سنی: اول، دوم، سوم

در این کتاب جریان سفر حضرت امام خمینی قدس سره (پس از ۱۵ سال تبعید) به ایران و اوج گیری تظاهرات مردمی مطرح شده است. درباره‌ی موضوعاتی مانند فرار شاه از ایران، ورود امام به فرودگاه مهرآباد، تشکیل دولت موقت، نبردهای خیابانی، روز پیروزی و روزهای بعد از پیروزی نیز توضیحاتی مختصر آمده‌اند.



رخداد هر انقلاب جدا از آنکه دلایل خاص خود را دارد، همواره با ایجاد اصطلاحات، تعبیرها و عنوان‌هایی همراه است که با هویت و ارزش‌های آن انقلاب پیوندی استوار دارند. در انقلاب اسلامی ایران نیز اصطلاحاتی وجود دارند که جنبه‌های گوناگون انقلاب و نیز دشمنان آن را مشخص می‌کنند؛ از جمله اتحاد، استقلال و استکبار.

خانم مرجان فولادوند کتاب فرهنگ‌نامه‌ی کوچکی را در قالب پوسترها و تابلوهایی تصویری به چاپ رسانده است که معنای بسیاری از آن واژه‌ها را ساده و رسا و در متن انقلاب اسلامی ایران ارائه می‌کند.

دانستنی‌های انقلاب اسلامی؛ اصطلاحات، تعبیرات و عناوین

ناشر: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

گروه سنی: دوره‌ی ابتدایی

سال چاپ: ۱۳۸۷

این کتاب برای آشنایی دانش‌آموزان با انقلاب اسلامی ایران و اتفاقاتی که آن را به وجود آوردند و همچنین فعالیت‌های دولت و مردم، و خواسته‌های مردم در طول انقلاب اسلامی، در پنج پوستر، به همراه تصویرهایی، اصطلاحات و تعبیرهایی را که بین مردم رواج داشتند، معرفی کرده است؛ موضوعاتی مانند: استعمار، استثمار، تحضن، حوزه‌ی علمیه، ساواک، سازمان سیا، شعار، شب‌نامه و کاپیتولاسیون. این پوسترها در واقع به شکل روزنامه‌ی دیواری طراحی و تزئین شده‌اند.

در عطش مدرسه!

زهرانصیری
آموزگار ابتدایی



اول مهر هر سال برای معلمان، دانش‌آموزان و اولیا شور و حلاوت خاص خود را داشت و آغوش باز مدرسه در انتظار بچه‌ها بود. اما مهر امسال دومین مهری بود که مدرسه‌ها آن را بی‌حضور بچه‌ها تجربه کردند. دانش‌آموزان، تبریک معلم خود را برای آغاز سال تحصیلی جدید، از پشت گوشی و رایانه، در کنجی از خانه، دریافت کردند، اما آنچه در این میان به بچه‌ها دلگرمی می‌داد، خبر بازگشایی مدرسه از ماه‌های آبان و آذر بود. ذوق و هیجان در کلام بچه‌ها و نگرانی در کلام اولیا دیده می‌شد. آنچه آن‌ها عنوان می‌کردند، عبارت بود از: دل‌تنگی بابت محیط مدرسه، نیمکت‌ها و حیاط و حتی خوراکی‌ها و زنگ تفریح، ذوق دیدار معلم و دوستان، قدردان نعمت در کنار معلم بودن و درک لذت کلاس‌های حضوری، نگرانی والدین بابت رعایت نکردن نکته‌های بهداشتی در کلاس، سرویس‌های بهداشتی و تجمع و رفت‌وآمد بچه‌ها.

در این میان گروهی نیز از فایده‌های آموزش مجازی می‌گفتند؛ مثلاً بالارفتن سواد فناورانه، صرفه‌جویی در زمان و هزینه‌ی رفت‌وآمد، صرفه‌جویی در کاغذ، استفاده‌ی کمتر از وسایل نقلیه و سودرسانی به محیط‌زیست.

مهم‌ترین درس در کلاس‌های حضوری

بعد از گذراندن بیش از یک سال تحصیلی به‌صورت مجازی، حالا هم معلمان و هم دانش‌آموزان، مهارت‌های لازم را برای یاددهی و یادگیری به‌دست آورده‌اند و





عکاس: غلامرضا بهرامی

به‌طور طبیعی، در مقایسه با سال گذشته، با مشکلات کمتری مواجه هستند، اما واقعیت این است که برخی از درس‌ها فقط در جمع و با حضور فیزیکی آموخته می‌شود که مهم‌ترینش درس زندگی است. این موضوع در دوره‌ی ابتدایی اهمیت بیشتری دارد، چون کودکان با زندگی در میان هم‌سالان و کسب تجربه‌های ارتباطی و دوستی در کنار آن‌ها، بخش مهمی از مهارت‌های زندگی را می‌آموزند؛ چیزی که در آموزش مجازی نمود چندانی ندارد.

از این‌رو، مدرسه‌ها سعی خود را به کار گرفتند که فضا و برنامه‌های مناسب را برای آموزش حضوری فراهم آورند تا با مجوزی که برای بازگشایی صادر می‌شود، آماده‌ی استقبال از دانش‌آموزان باشند، به‌گونه‌ای که دغدغه‌ها و نگرانی‌های اولیا درباره‌ی سلامتی فرزندشان در محیط مدرسه رفع شود یا به حداقل برسد.

همراهی اولیا برای بازگشایی مدرسه‌ها

اولیای دانش‌آموزان از جمله عناصر تأثیرگذار در بازگشایی مدرسه و موفقیت آن هستند. پدرها و مادرها می‌توانند نگرانی از بیماری را در وجود فرزندانشان به حداقل برسانند. برای این منظور، آنان ابتدا باید خودشان به آرامش فکری برسند و سپس با توصیه‌های بهداشتی و آموزش‌های لازم به فرزندان، آن‌ها را از نظر روحی و عملی برای حضور در مدرسه آماده کنند.

البته نکته‌ی مهم دیگری که اولیای عزیز باید در نظر داشته باشند، اعتماد به معلم و مدرسه است. اعتماد اولیا عنصری اساسی است که هم در آموزش حضوری، هم در آموزش مجازی و هم در دوره‌ی بازگشایی مدرسه‌ها در دوران کرونازده، اهمیت دارد. آنچه به معلم کمک می‌کند، در زمان فشرده‌ی کلاس‌های کوتاه حضوری در دوران کرونایی، بتواند تدریس و تعلیم را به‌بهترین نحو ارائه دهد، داشتن برنامه و عمل به آن است. این مهم زمانی میسر می‌شود که اولیای بزرگوار دل‌شوره‌هایشان را در قالب ارائه‌ی دستورالعمل به معلم بروز ندهند. آنچه مسلم است، معلمان در حوزه‌ی آموزش و پرورش،

فایده‌ی حضور بچه‌ها در مدرسه بر کسی پوشیده نیست، اما در وضعیت کنونی با مشکلاتی مواجه است. به‌طور مثال برخی از اولیا نمی‌توانند در ساعت اعلام‌شده از طرف مدرسه، خودشان وظیفه‌ی رفت‌وآمد فرزندشان را به عهده بگیرند و دغدغه‌ی سرویس و وضعیت مطلوب بهداشتی آن را دارند. بنابراین، لازم است مدرسه برای این موضوع برنامه‌ی عملی و معقولی داشته باشد. از طرف دیگر، تدریس توأمان حضوری و مجازی درس‌های متعدد، برای معلمان نیز دشواری‌هایی ایجاد کرده است. چون علاوه بر تدریس هم‌زمان حضوری و مجازی در طول روز، بخشی از زمان و انرژی‌شان هم در مسیر مدرسه و خانه صرف می‌شود. ساعت‌های زیادی از روز را هم به مسائل آموزشی و رسیدگی به تکلیف دانش‌آموزان می‌پردازند و این موضوع در طول زمان فرسایشی است. از این‌رو، برای معلمان نیز باید برنامه و وضعیت مناسبی تدبیر شود.

کارشناس و متخصص‌اند و روش‌های متعدد تدریس و کلاس‌داری و مدیریت کلاس را تجربه کرده‌اند. پس باید در این فرصت اندک، به آن‌ها و برنامه‌هایشان اعتماد کامل داشته باشیم و فرزندمان و تعلیم و تربیتش را به او بسپاریم.

مشکلات تدریس حضوری-مجازی

مدرسه‌ها باز شده‌اند، اما آموزش همه‌ی درس‌ها حضوری نیست و برخی از مواد درسی همچنان به‌صورت غیرحضوری ارائه می‌شوند. از این‌رو، ارتباط غیرحضوری دانش‌آموزان و اولیا با معلمان ادامه دارد. شاید این بهترین فرصت باشد برای پرکردن خلاءهایی که در گذشته، با آموزش حضوری صرف و در دو سال اخیر، با آموزش مجازی صرف وجود داشته است؛ چراکه تا دو سال پیش، به‌طور معمول جای فناوری در آموزش‌های ما خالی بود و در آموزش مجازی، جای آموزش‌های تعاملی و چهره‌به‌چهره. اما امسال بازگشایی مدرسه‌ها به‌صورت نیمه‌حضوری می‌تواند خلأها را پر کند.

در کلاس‌های حضوری تعداد دانش‌آموزان تا سقف پانزده نفر است و غالباً به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی شده است که هر دانش‌آموز فقط سه روز در هفته و هر روز دو ساعت در مدرسه حضور داشته باشد، از این‌رو، فقط برخی از درس‌ها به‌صورت حضوری تدریس می‌شوند و سایر درس‌ها مسیر مجازی را ادامه می‌دهند.

می‌خواهیم تحولی دیگر را تجربه کنیم. یادمان باشد، چالش و نگرانی فقط یک بُعد تغییر و تحول است، حال آنکه رشد و تحول و یادگرفتن آنچه تاکنون نمی‌دانستیم، بُعد مهم‌تر آن است. پس چه خوب است خودمان و فرزندانمان را برای تجربه‌ها و تحول‌های جدید آماده کنیم!

تنها تغییر است که تغییر نمی کند!

نگاه آینده پژوهانه به آموزش در سال های پیش رو



دکتر مرتضی مجدفر
پژوهشگر مسائل آموزشی

سرعت تغییر فناوری و رشد روزافزون علوم در جامعه بشری چنان سرسام آور است که دیگر نمی توان با روش های قدیمی با آن کنار آمد. این روزها دانش و تولیدات فکری، صنعتی و خدماتی بشر، در سراسر جهان، ساعت به ساعت بیشتر می شود. این رقم تا ده سال پیش هر چند سال یک بار بود. در آینده پژوهی می گویند: «اگر با تغییرات همگام نشوید، زیر چرخ عظیم تغییر خرد خواهید شد» و در نکته دیگری گفته می شود: «در جهان پر از تغییر، تنها چیزی که تغییر نمی کند، خود تغییر است.»

اما آیا برای ما در مقام معلم و متولی تعلیم و تربیت، امکانی برای آگاهی یافتن از آینده وجود دارد؟ به طور قطع در مورد آینده هیچ چیز یقینی وجود ندارد و این از اصول آغازین آینده شناسی است که در آینده پژوهی هم مؤثر است. اما اصل دیگری هم وجود دارد: «انسان می تواند در سرنوشت آینده تأثیرگذار باشد». همان طور که پیش از این هم گفتیم، در این میانه دانشی نوین تحت عنوان «آینده پژوهی» زاده شده است. این دانش کوشش می کند با پیش بینی عوامل اثرگذار در تغییرات آینده به صورتی دوگانه، هم مهار تغییرات را در دست گیرد و هم جامعه را برای این تغییرات آماده کند. همان گونه که در فرازهای نخست این سلسله نوشتار گفتیم، آینده پژوهی فراتر از پیش بینی است و ادعای پیش گویی هم ندارد. آینده پژوهی هنر کشف آینده است. کسانی که این دانش را در دست دارند، هم اکنون به آیندهی جهان، مطابق خواستهی خود، شکل می دهند. می توان کشورها و جامعه هایی را دید که نتوانستند خود را با تحولات سازگار کنند و از این جهت از هم فرو پاشیدند. آن ها ذات تغییر را درست نشناختند. آینده شناسی از این منظر دانش شناخت تغییر است. شناخت آینده، از حیاتی ترین علوم مورد نیاز هر انسان است.

تمرین

اگر سنتان اندکی بالاست، حتماً «لحاف دوز» ها و «چینی بندزن» ها را دیده اید. این شغل ها هم اکنون از بین رفته اند یا اگر فردی را در این شغل ها ببینیم، بسیار تعجب خواهیم کرد و اصلاً لحافی برای دوختن و چینی شکسته ای برای بندزدن نخواهیم داشت که به آن ها رجوع کنیم. بر اساس تغییرات فناوری و نیز دگرگونی های زمانه، بسیاری از شغل ها به تدریج در حال از بین رفتن یا تغییر ماهیت اند. برای مثال، به دلیل توسعهی ساعت های بزرگ شهری، ساعت های روی پیشخوان (داشبورد) اتومبیل ها، نشانگرهای زمان روی تلفن های همراه و رایانه ها، بسیاری از مغازه های ساعت سازی و ساعت فروشی بر چیده شده اند و ساعت هایی بیشتر خرید و فروش می شوند که جنبه ی عتیقه، تزئینی و کلاسیک دارند. همه ساله نهادهای خاصی در جهان، شغل های در شرف انقراض را اعلام و شغل های جدیدی را معرفی می کنند که در سال های آینده سر بر خواهند آورد. به نظر شما در بیست سال آینده کدام یک از شغل ها و صنعت های وابسته به حوزه ی تعلیم و تربیت از بین خواهند رفت یا تغییر ماهیت خواهند داد؟ فکر می کنید چه شغل های جدیدی ظاهر شوند و چرا؟

● **راهنمایی:** از آغاز بحران کرونا و سوق داده شدن آموزش ها به سمت وسوی فضای مجازی، مصرف لوازم التحریر از جمله دفتر و مداد و کاغذ بسیار کاهش یافت. بر اساس گزارش های اقتصادی، صنعت دفتر سازی به شدت دچار بحران شد. چرا که با تغییر رویکرد، دیگر ده ها دفتری که معلمان، در رنگ ها و برگ های متنوع شصت، هشتاد، صد و دویست برگی برای درس های گوناگون دانش آموزان سفارش می دادند، به فراموشی سپرده شدند. این مثالی ساده از تغییر است و فقط به منظور راهنمایی برای پاسخ گویی ارائه شد.

پیش فرض های آینده پژوهی

آینده می تواند در شکل های گوناگون خودنمایی کند. از این رو، یکی از پیش فرض های آینده پژوهی، اذعان به وجود گزینه های متعدد آینده است. بر این اساس، سه نوع آینده داریم:

● **آیندهی امکان پذیر:** هر چیزی اعم از خوب یا بد، محتمل یا بعید، می تواند در آینده رخ دهد. این نوع آینده را غالباً به چشم خود دیده ایم و تجربه کرده ایم. بچه ها نوجوان می شوند، به جوانی می رسند، نیازها و خواسته هایشان تغییر می کند و افراد جدیدی می شوند. بر اساس مطالعات زیستی، در طی مسیری در حدود پنج ساله، همه ی سلول های انسان با مرگ سلولی و جایگزین شدن سلول های جدید، تغییر می یابند و فرد جدیدی به منصه ی ظهور می رسد؛ فردی که با پنج سال قبل، از هر لحاظ، حتی نوع بینش و تفکر هم فرق دارد. بنابراین، این آینده امکان پذیر است و بی روبرگرد، خواهد آمد.

تمرین

در حوزه‌ی تعلیم و تربیت، چند آینده‌ی رخ‌دادنی یا محتمل مثال بزنید.

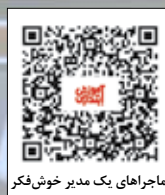
● **آینده‌ی دلخواه:** این نوع آینده، بهینه‌ترین و دلخواه‌ترین رویداد آینده به شمار می‌رود. در آرزوی این نوع آینده هستیم، آن را می‌سازیم، درصد دست‌یافتن به آن هستیم و سناریوهای گوناگونی برایش می‌نویسیم. هدف همه‌ی انسان‌های کمال‌گرا، محتمل‌ساختن آینده‌ی دلخواه یا ترجیح‌داده‌شده است. بدین منظور باید از آنچه می‌خواهیم بیافرینیم، تصویری روشن و شفاف در ذهن داشته باشیم؛ به‌ویژه ارزش‌هایی را که می‌خواهیم بر جامعه‌ی آینده حاکم باشند، باید به‌درستی بشناسیم. هدف ما، توجه به آینده‌ی ممکن است که به‌رغم تردید در رخ‌دادنش، تحقق برخی از آن‌ها، اثر بزرگی بر زندگی مردم می‌گذارد.

تمرین

آیا می‌دانید برخی از داستان‌های علمی‌تخیلی مورد علاقه‌ی دانش‌آموزان، مبتنی بر نوعی آینده‌پژوهی نوشته شده‌اند؟ آیا تاکنون طرح‌های **لئوناردو داوینچی** از متأخران، داستان‌های **ژول ورن** از سال‌های نه‌چندان دور و **ایزاک آسیموف** یا همان اسحاق عاصم‌اف از معاصران، را دیده و خوانده‌اید؟ آیا تاکنون از این آثار در تدریس خود استفاده کرده‌اید؟ آیا می‌دانید اختراع چرخ‌بال، زیردریایی و بسیاری از اختراعات دنیای معاصر از روی تخیلات افراد صورت گرفته‌اند؟ آیا فقط می‌خواهید پرسش‌های ما را تأیید کنید یا دست به اقدام خواهید زد؟ چگونه؟ از تجربه‌های خود برایمان بنویسید.

مسابقه

به پیشنهاد نویسندگی این سلسله یادداشت‌ها و با هماهنگی دفتر مجله، به پنج نفر از کسانی که بهترین پاسخ‌ها را به پرسش‌های این شماره بدهند، هدیه‌هایی مشتمل بر کتاب‌هایی که «بخش سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی» سازمان پژوهش آن‌ها را مناسب شناخته است، تقدیم خواهد شد. پاسخ‌های خود را تا ۲۸ اسفند ۱۴۰۰ به رایانامه‌ی مجله بفرستید: ebtedayi@roshdmag.ir



تمرین

از اسفند ۱۳۹۸ تاکنون، یعنی تقریباً به‌مدت دو سال، بیشتر اوقات دانش‌آموزان را از پشت رایانه و تلفن همراه دیده‌ایم. اگر بچه‌ها پیش ما بودند و با هم و در حضور هم به پیش می‌آمدیم، مشکلی نبود، ولی اکنون دو سال است فاصله‌ها دورتر شده است. فکر می‌کنید بچه‌ها با چه ویژگی‌های جدیدی پیش ما برمی‌گردند که قبلاً آن‌گونه نبوده‌اند؟ اگر آموزش‌های حضوری را آغاز کرده باشید، نیازی به پیش‌بینی ندارید و می‌توانید تجربه‌های خودتان را بیان کنید.

● **آینده‌ی رخ‌دادنی یا محتمل:** آنچه به‌احتمال بسیار زیاد در آینده و مبتنی بر استمرار روندهای کنونی به وقوع خواهد پیوست. برای مثال، تغییرهای مکرر در شیوه‌های تدریس که پیش از این، از آن سخن گفتیم یا تغییر و ارتقای مدل دستگاه‌های تلفن همراه که حتی خود ما هم چندین تغییر آن را به چشم دیده‌ایم؛ از تلفن‌های همراه گوشت‌کوب‌وار بزرگ و بدشکل تا تلفن‌های همراه تخت و بسیار نازک سر تا پا هوشمند.

ابتدایی

پهن‌ما

دوره‌ی بیست و پنجم
شماره‌ی ۵ | ۱۴۰۰

۱۳

بازی با بازی

تمنا رستگار

پژوهشگر و طراح آموزشی

۴. برقراری هماهنگی بین حواس و اندامها از طریق تقویت حواس؛
۵. دقت و تشخیص حس شنیداری و دیداری (حافظه‌ی دیداری، تمیز دیداری، حساسیت شنیداری)؛
۶. تقویت حافظه و بالابردن دقت و تمرکز؛
۷. تقویت دید و اگر و همگرا و دید کانونی؛
۸. تثبیت مفاهیم یادگیری و خلاق
۹. برقراری ارتباط مفهومی؛
۱۰. برقراری روابط عاطفی و اجتماعی.

می‌توان چنین نتیجه گرفت که بازی‌های رایج و البته مفیدی چون بازی با لگو، جورچین، مکعب، خمیر بازی، درست کردن حباب، اسباب بازی، عروسک، بالابندی و گرگم‌پهوا آموزنده‌اند، اما تا بر اساس هدف مشخص و اولویت گذاری شده‌ای اجرا نشوند، بازی آموزشی محسوب نمی‌شوند.

بازی‌های آموزشی ذهنی

بازی‌هایی آموزشی که با هدف تقویت مهارت‌های ذهنی معلمان طراحی می‌شوند و غالباً در قالب شبه‌معما هستند، از مناسب‌ترین بازی‌های آموزشی در دوره‌ی ابتدایی به شمار می‌روند. این بازی‌ها در اکثر موارد به جای فعالیت‌های یادگیری (تکالیف) استفاده می‌شوند. البته در صورتی که بازی به درستی طراحی شود، حداقل سه تا پنج مهارت در آن پرورش می‌یابد. چنین بازی‌هایی فردی یا گروهی (گروه‌های کوچک دو تا چهار نفره) هستند و بیشتر با رویکرد «کشف کردن» و «تشخیص» طراحی می‌شوند. جایگاه ابزار در بازی‌های آموزشی ذهنی تنها در حد مدیوم (واسطه) است که غالباً در ساده‌ترین شکل ممکن استفاده می‌شود. دو نمونه بازی آموزشی را در صفحه‌ی روبه‌رو می‌بینید.

ویژگی‌های بازی آموزشی

- بازی آموزشی هدفمند است و با در نظر گرفتن هدفی مشخص توسط معلم طراحی یا انتخاب می‌شود. این هدف می‌تواند یک یا ترکیبی از این موارد باشد:

 ۱. کسب یا پرورش مهارتی خاص؛
 ۲. رفع یا درمان اختلال یادگیری، غلبه بر ناتوانی و کمک به بهبود ارتقای توانایی‌ها؛
 ۳. تثبیت و به کارگرفتن عملی و عملکردی مفهومی آموزشی در موقعیت مشابه در قالب بازی؛

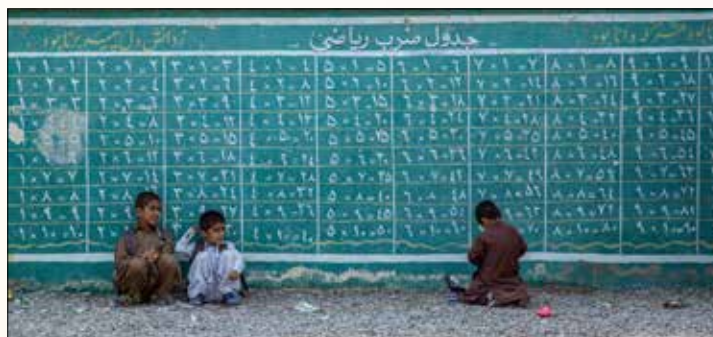
- در بازی آموزشی، بین هدف از بازی، ابزار بازی و مدت زمان انجام بازی توازن منطقی برقرار است. ابزار و روش بازی و مدت زمان آن تابعی است از ویژگی‌های فردی دانش آموز، به‌طوری که گاه معلم برای هدفی ثابت و معین، بر اساس ویژگی‌های فردی دانش آموزان، بازی‌های متفاوتی را طراحی می‌کند

- در بازی آموزشی، توجه به اولویت مهارت‌هایی که در بازی کسب می‌شوند یا برای بازی به آن‌ها نیاز است، اصل مهمی است. معمول‌ترین مهارت‌ها عبارت‌اند از:

 ۱. تقویت ذهن و درک مفاهیم ذهنی پایه؛
 ۲. پرورش جسم و اندام حرکتی (عضلات کوچک و بزرگ)؛
 ۳. کلامی و گفتاری؛

همه‌ی کودکان جهان، فارغ از موقعیت‌های جغرافیایی، نژادی، فرهنگی، اقتصادی و سبک‌های متفاوت زندگی خود، به فعالیت‌هایی آزادانه و دلخواه تحت عنوان «بازی» می‌پردازند. تا حدی که برای انجام برخی از آن‌ها متحمل زحمات و سختی‌های فراوان و گاه خطرناکی می‌شوند؛ مثل بالا رفتن از درختان، حفظ تعادل و راه رفتن روی جدول‌های کنار جوی آب و ریل قطار، سُر خوردن از نرده‌های پلکان و بازی با بسپاری از ابزار و وسایلی که در واقع نه تنها «بازیچه» نیستند، بلکه احتمال آسیب‌رساندن نیز دارند.

در همه‌ی بازی‌های کودکان، خواه فقط به قصد لذت بردن و خواه کسب تجربه، موارد مشترکی وجود دارند؛ از جمله: ارضای کنجکاوی، پاسخ به نیازهای جسمانی و روانی، شکل دادن زندگی کودک و فراهم آوردن امکان دستیابی به مهارت‌های متعدد در سطوح و حوزه‌های متفاوتی از رشد. هر نوع بازی برای کودک به گونه‌ای آموزنده محسوب می‌شود، اما لزوماً هر بازی را نمی‌توان بازی آموزشی تلقی کرد. توجه به این نکته ضروری است که مفهوم بازی آموزشی، یا به بیان جامع‌تر، تحقق اهداف یاددهی‌یادگیری از طریق بازی، مستلزم رعایت مختصات است که آن را از بازی‌های معمول کودکان متمایز می‌کند.

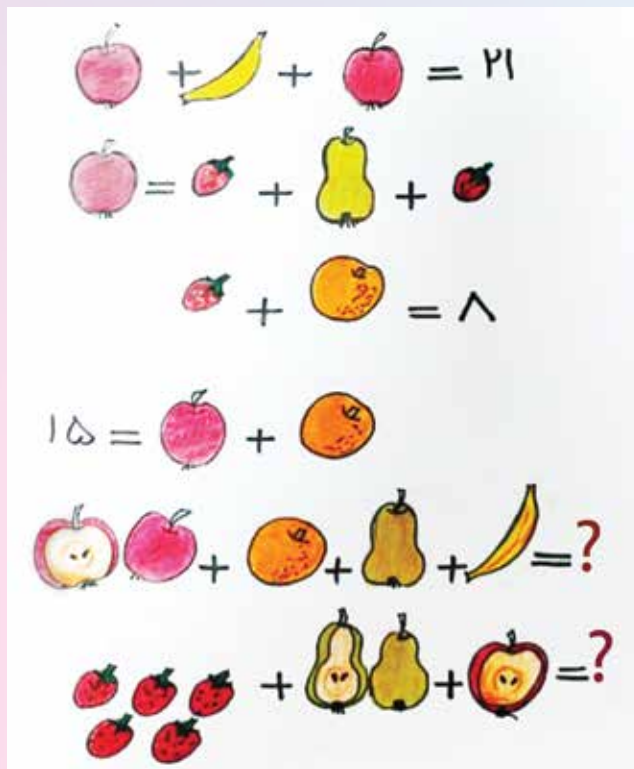


عکاس: نگین محمدی فرد، اصفهان؛
دهمین جشنواره‌ی عکس رشد

آیندازی

پنجمین ماه
دوره‌ی بیست و پنجم
شماره‌ی ۵ | ۱۴۰۰

۱۴



بازی میوه‌ها

در طراحی بازی‌های صفحه‌ای^۱ برای دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی، به‌ویژه در دوره‌ی اول، استفاده از نقش و طرح برای ایجاد انگیزه و ترغیب بازیکنان اهمیت زیادی دارد. نمادهای تصویری را می‌توان از بین شکل‌های ساده‌ی هندسی، تصویرهای ساده یا شکل میوه‌ها انتخاب کرد.

بازی مختصات

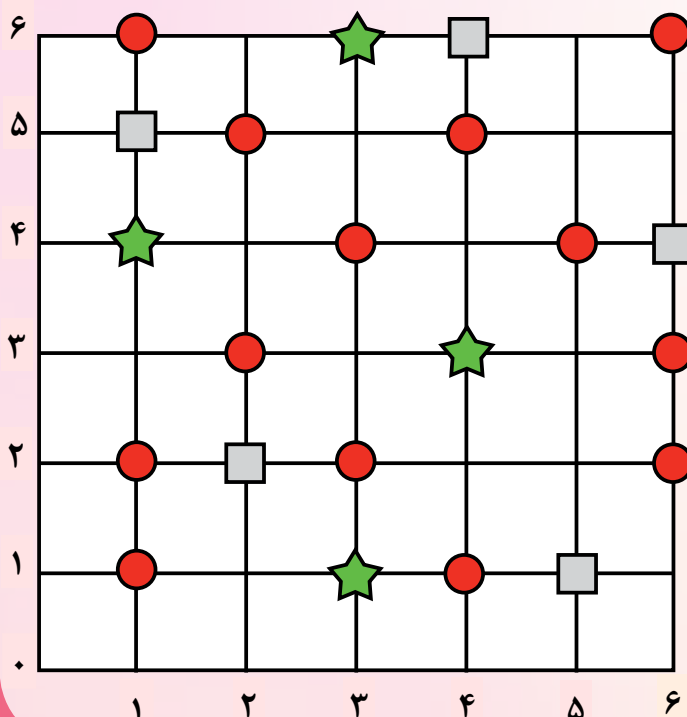
وسایل مورد نیاز

۱. مکعب کوچکی که بتوان با آن اعداد یک تا شش را نشان داد (تاس)؛
۲. دو رنگ مهره، از هر رنگ یازده عدد.

روش بازی

با انداختن تاس یا گرداندن فرره، بازیکنی که عدد بزرگ‌تر را می‌آورد، آغازگر بازی است. هر بازیکن دو بار تاس می‌اندازد. اولین عدد مختصات طولی (عمودی) و دومین عدد نشان‌دهنده‌ی مختصات عرضی (افقی) است. برای مثال، با عدد‌های ۳ و ۶، از نقطه‌ی صفر سه خانه به بالا و شش خانه به راست حرکت کنید. حال مهره‌تان را در خانه‌ی نقطه‌ی تقاطع قرار دهید.

در نظر داشته باشید، امتیاز خانه‌ی ستاره، دوباره تاس‌انداختن بازیکن است. رسیدن به مختصات چهارگوش هم به مفهوم یک دور بازی نکردن و دادن نوبت به بازیکن دیگر است. بازیکنان باید بیشترین خانه‌ها را به مهره‌های خود اختصاص دهند.



سرزمین عجایب

نکاتی درباره‌ی اهمیت رنگ در کودکی

تجربه‌ها

حانیه سورگی
آموزگار ابتدایی



رنگ‌ها در دنیای کودکان با زبان خود آن‌ها رمزگذاری می‌شوند. آن‌ها هرگز به حرف شما گوش نمی‌دهند که باید خورشید زرد باشد، بلکه خورشید را بر اساس دنیای کودکان‌های خود رنگ می‌کنند. رنگ یکی از مهم‌ترین ملاک‌ها و معیارهای سنجش شخصیت و شناخت روح و روان کودکان است و چه بهتر که آموزگار ابتدایی قدری بیشتر از رنگ‌ها و کاربرد آن‌ها بداند.

کودکان از الگوی ترکیب رنگی خاص تبعیت می‌کند، در اغلب موارد همه چیز را به صورت کلیشه‌ای انتخاب می‌کنیم. حال بیاییم این کلیشه‌ها را تغییر دهیم تا تأثیر مثبت آن را در روحیه و روان کودکان خود ببینیم (اکرمی، ۱۳۸۴). رنگ‌ها داخل طبیعت بسیار متنوع‌اند. شاخص‌ترین آن‌ها شش رنگ اولیه‌ی قرمز، زرد، آبی، سبز، بنفش و نارنجی هستند که در رنگین‌کمان دیده می‌شوند. رنگ‌ها را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد:

۱. رنگ‌های اصلی (قرمز، زرد و آبی)؛
۲. رنگ‌های فرعی (نارنجی، بنفش و سبز) که از ترکیب رنگ‌های اصلی به دست می‌آیند.
۳. رنگ‌های ترکیبی (زرد-نارنجی، قرمز-نارنجی، قرمز-بنفش، آبی-بنفش، آبی-سبز و زرد-سبز) که حاصل ترکیب رنگ‌های اصلی با رنگ‌های فرعی هستند.

کودکان سالم که در مراحل رشد طبیعی به سر می‌برند، بالتبع به انتخاب رنگ‌های گرم، مثل رنگ قرمز گرایش دارند. رنگ‌های اصلی نیز برای آنان جذابیت زیادی دارند، به خصوص در سنین پایین. رنگ‌هایی مثل نارنجی، قرمز و زرد در ایجاد محیطی شاد و پویا برای کودکان مؤثرند. استفاده از ترکیب رنگ‌های ملایم و گرم در کنار رنگ‌های سرد و ملایم محیطی جذاب و متنوع را برای کودکان ایجاد می‌کند. این رنگ‌بندی را می‌توان در محیط‌های آموزشی مثل مهدکودک‌ها، پیش‌دبستانی‌ها و حتی در دو دوره‌ی اول و دوم ابتدایی استفاده کرد (حسینی، ۱۳۹۵).

پس از بررسی تأثیر رنگ روی کودکان، می‌توان بر اساس سن و شخصیت کودک از رنگ‌های مناسب در فضا و محیط‌های مربوط به او استفاده کرد، اما نه به گونه‌ای که اتاق دختر صورتی و اتاق پسر آبی باشد، بلکه می‌توان از ترکیب رنگ‌های جذاب بدون هر محدودیتی استفاده کنیم. اکثر اوقات پوشش والدین و

آموزشی

پهمن‌ماه
دوره‌ی بیست و پنجم
شماره‌ی ۵ | ۱۴۰۰

۱۶

پیشنهادهایی در کاربرد رنگ برای کودکان

● استفاده از چراغ خواب‌های سقفی که هنگام تاریکی شب به‌صورت ماه و ستاره روشن می‌شوند. به این ترتیب نورپردازی را هم به رنگ اضافه می‌کنیم.

● اختصاص قسمتی از دیوار خانه برای نقاشی کردن کودک.

● اختصاص پوشش‌های با رنگ‌های شاد برای کودکان، والدین و حتی مسئولان، معلمان و مربیان. از این طریق حس شادمانی را در کودک پرورش می‌دهیم، حتی رنگ لباس معلم نیز نباید به‌هیچ‌وجه تیره باشد.

● طراحی کردن لباس‌هایی با رنگ‌های روشن برای کودکان و حتی نوجوانان در محیط‌های آموزشی.

● استفاده از جاذبه‌ی رنگ‌ها و تصویرهای رنگی جذاب در فضای تدریس مجازی. حتی در بعضی سایت‌های آموزش کودکان باید از نوشته‌های رنگی و خلاق استفاده کنیم تا کودک به آموزش ترغیب شود.

● توجه به سلیقه‌ی رنگی و نظرسنجی از کودکان. این عامل در روحیه‌بخشی و افزایش توان آموزشی کشور مؤثر است. با ورود به محیط مدرسه، رنگارنگی لباس دانش‌آموزان، در نگاه اول لذت بصری و روان‌شناسی خاصی را به مخاطب القا می‌کند. ضمن اینکه این لذت بصری برای خود دانش‌آموزان بیشتر است. با استفاده از لباس فرم و رنگ‌های متعدد می‌توان نظم را نیز در محیط ایجاد و هیجان‌های پنهان دانش‌آموزان را به‌درستی و در مسیر مناسب هدایت کرد.

● طراحی اتاق با رنگ‌ها و سبک خاص. این کار به کودک حس امنیت می‌دهد و شادی و خلاقیت وی می‌شود. اتاق نباید تکرنگ باشد، زیرا تأثیر منفی بر کودک می‌گذارد.

برای طراحی محیطی امن و آرام به‌وسیله‌ی رنگ، باید به همه‌ی عناصر موجود در اتاق توجه کرد. وجود رنگ‌های متشابه، یعنی رنگ‌هایی که در چرخه‌ی رنگ در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند، برای کودک ایجاد آرامش می‌کند.

● استفاده از نقاشی‌های دیواری توسط طراحان و جایگزین کردن آن به‌جای کاغذ دیواری.



گزیده‌ای از سند برنامه‌ی درسی ملی

براساس بند ۳-۴ از سند برنامه‌ی درسی ملی، یکی از ویژگی‌های محتوا چنین است: «متناسب با نیازهای حال و آینده، علایق، ویژگی‌های روان‌شناختی دانش‌آموزان، انتظارات جامعه‌ی اسلامی و زمان آموزش.

تدریس رسانه

دبستان دخترانه‌ی حضرت زینب(س) مدرسه‌ای دولتی است که در منطقه‌ی خراسان شمالی شهر شیروان و روستای حسین آباد قرار دارد. زهرا ملاعلی‌نژاد مدیر و آموزگار پایه‌ی ششم آن است. مدرسه ۱۷۰ دانش‌آموز دارد و ۷ کلاس درس؛ جمعیت تقریبی هر کلاس ۲۰ تا ۳۰ نفر است. زهرا ملاعلی‌نژاد در پایه‌ی ششم در کلاسش ۳۰ دانش‌آموز دارد.

زهرا ملاعلی‌نژاد
آموزگار ابتدایی



یک کیف بخريد. فراموش نکنيد پس‌انداز هم داشته باشید. حالا تصميم بگیرید که چه چیزهایی می‌خريد یا نمی‌خريد. به بچه‌ها وقت دادم تا فکر کنند و نظر خود را بنویسند. در ابتدا سخت بود و بدون در نظر گرفتن همه‌ی جوانب پاسخ می‌دادند، اما هدایتشان می‌کردم و از پاسخ‌های آن‌ها به مفاهيم اصلی درس می‌رسیدیم؛ مفاهيمی مانند درآمد و هزینه و بودجه و ...

در بعضی درس‌ها فيلم کوتاه یا شعری مناسب می‌گذاشتم؛ مانند درس کشورهای همسایه‌ی ایران در پایه‌های ششم و پنجم. از بچه‌ها می‌خواستم بعد از دیدن فيلم یا شنیدن شعر درباره‌ی آن کشور تحقيق کنند و در کلاس به اشتراک بگذارند. بعضی از بچه‌ها کلیپ‌های کوتاه می‌ساختند و در کلاس ارائه می‌دادند. برای بخش تاریخ، داستانی را به‌صورت پیام صوتی می‌فرستادم. بچه‌ها گوش می‌دادند و نظرات خود را می‌فرستادند. به‌طور کلی متوجه شدم گذاشتن فيلم و عکس قبل از تدریس برای بچه‌ها جذاب‌تر و پرهیجان‌تر از پیام صوتی است. از نظر اولیا نیز این روش باعث می‌شد دانش‌آموزان درس مطالعات را با علاقه‌ی بیشتری در فضای مجازی دنبال کنند و یادگیری آن‌ها بیشتر شود. من بعدها متوجه شدم که این روش «تدریس و یادگیری معکوس» نام دارد.

گفتم می‌خواهیم به خرید برویم. بچه‌ها خوش حال شدند و با برچسب (استیکر) و پیام صوتی اعلام آمادگی کردند. پیام گذاشتم که این خانم شماييد و با مبلغ پانصدهزار تومان که درآمد شماست، قصد خرید دارید. نخست، باید حواستان باشد که پولتان تمام نشود و تا آخر ماه حساب همه‌چیز را نگه دارید. در ضمن خیلی هم دوست دارید برای خودتان

در پایه‌ی چهارم مشغول تدریس جدول بودجه از درس مطالعات اجتماعی بودم که شامل هزینه و درآمد و پس‌انداز بود. عکس پویانمایی (انیمیشنی) از خانمی که کیف پول در دستش بود، در گروه کلاسمان گذاشتم و به بچه‌ها



گزیده‌ای از سند برنامه‌ی درسی ملی

بر اساس سند برنامه‌ی درسی ملی، در موضوع «اصول ناظر بر برنامه‌های درسی و تربیتی، بند ۳-۷، برنامه‌های درسی و تربیتی باید به رعایت تعادل و پرهیز از افراط و تفریط و رعایت تناسب و توازن در توجه به ساحت‌های تعلیم و تربیت، هدف و محتوا و بهره‌گیری از روش‌های متفاوت در طراحی، تولید، اجرا و ارزشیابی از برنامه‌ها پایبند باشد.

آموزشی
ابتدایی

پنجم ماه
دوره‌ی نهم و پنجم
شماره‌ی ۵ | ۱۴۰۰

۱۸

مداد مریم



ماهدخت قنبرهراتی
مدیر آموزگار، تنکابن



در سال ۱۳۸۴-۱۳۸۳، در پایه‌ی اول تدریس می‌کردم. بعد از گذشت یک هفته متوجه شدم مداد و پاک‌کن بعضی از بچه‌ها گم می‌شود. با آن‌ها صحبت کردم تا شاید حرفی بزنند؛ ولی موفق نشدم. روزی به‌طور اتفاقی متوجه شدم ملیحه^۱، دانش‌آموزی که پدر و مادرش از هم جدا شده بودند و با مادر بزرگ پیرش زندگی می‌کرد، از کیف یکی از بچه‌ها مدادی را برداشت و داخل کیف خودش گذاشت. ابتدا فکر کردم این موضوع را با مادر بزرگش در میان بگذارم، بعد با خودم گفتم شاید مادر بزرگ با تنبیه و فشارهای روانی کار را بدتر کند. به همین دلیل، صبح روز بعد، با ورود به کلاس، ملیحه را جلوی کلاس آوردم و به بچه‌ها گفتم: «از امروز ملیحه نماینده‌ی کلاس ماست.»

بعد هم ضمن بیان وظایفش، بر این موضوع تأکید کردم که از این به بعد ملیحه مواظب است در کلاس وسیله‌های کسی گم نشود. ملیحه با خوش حالی سر میز رفت. روز بعد، زنگ دوم، مداد یکی از بچه‌ها را که زنگ قبل گم شده بود، برایم آورد و گفت: «خانم، من مداد مریم را پیدا کرده‌ام.»

به بچه‌ها گفتم ملیحه را تشویق کنند. ناگفته نماند، چند روز بعد، به‌بهانه‌ی اینکه بهترین نماینده‌ی کلاس است، به او جایزه‌ای دادم.

از آن روز به بعد، دیگر هیچ وسیله‌ای در کلاس گم نشد و ملیحه، نه تنها کارش را تکرار نکرد، بلکه یکی از بهترین

دانش‌آموزان کلاس شد. دختری که همیشه گوشه‌گیر و منزوی بود، در دل همه‌ی دانش‌آموزان جا باز کرد و آن سال با معدل بسیار خوبی قبول شد.

دبستان دولتی دخترانه - پسرانه‌ی شهید «کیود مهری» در استان گیلان، شهرستان تالش، روستای «تره طول» قرار دارد. فاطمه نادعلی‌پور مدیر آن است. مدرسه ۱۴۶ دانش‌آموز دارد و ۶ کلاس درس. جمعیت تقریبی هر کلاس ۲۵ نفر است. ماهدخت قنبرهراتی سال‌ها پیش آموزگار پایه‌ی اول آن مدرسه بوده و در کلاسش ۲۰ دانش‌آموز داشته است.

گزیده‌ای از سندهای آموزشی ملی

راهکار ۲-۶ از فصل هفتم سند تحول بنیادین، در تربیت پرورش‌یافتگان، تأکید می‌کند بر: طبقه‌بندی و متناسب‌سازی مقولات و موضوعات تربیتی و اخلاقی با مراحل رشد و ویژگی‌های دانش‌آموزان و اهداف و نیازهای نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی و جامعه.

۱. نیاز به توضیح است که به منظور حفظ حریم معلم و شاگردی، نام‌ها عوض می‌شوند و واقعی نیستند.

آموزشی

همین‌ماه

دوروی بیست و پنجم
شماره‌ی ۵ | ۱۴۰۰

۱۹

خوب بینیم



سیده ثریا آقاپور حسینی کجور
راهبر آموزشی، نویسنده

اوایل سال تحصیلی بود. در بازدید از مدرسه‌ای، به دانش‌آموزی برخوردی که احساس کردم مشکلی دارد. معلم کلاس از دانش‌آموزانش خواسته بود، انشایی بنویسند و بعد از تمام شدن آن، هر کدام جلوی کلاس و روبه‌روی بچه‌ها بایستند و انشایشان را بخوانند. آرمان با اینکه

انشای زیبایی نوشته بود، ولی از این کار امتناع می‌کرد.

یکی از دوستانش گفت: «خانم، آرمان هیچ‌وقت جلوی کلاس نمی‌رود که انشا بخواند.» گفتم: «اشکالی ندارد، همان‌جا که نشستی بخوان.» او هم انشایش را نه با صدای بلند، بلکه آرام و آهسته خواند و بچه‌ها طبق معمول برای او هم کف زدند. معلم کلاس با اشاره به اینکه مشکل این دانش‌آموز فقط به امسال مربوط نمی‌شود، از من خواست تا با کمک هم آن را حل کنیم.

آرمان تنها فرزند خانواده بود و مادرش بیشتر از خودش نسبت به کارهای او احساس مسئولیت می‌کرد و به او کمتر مسئولیت می‌داد. متوجه شدم به رایانه علاقه‌ی شدیدی دارد. به همین علت، از معلمش خواستم مسئولیت رایانه‌ی کلاس را به او بدهم.

آرمان دانش‌آموز پایه‌ی ششم بود و من نمی‌خواستم این مشکل به دوره‌ی بالاتر کشیده شود. بعد از چند روز، با مدرسه تماس گرفتم و از معلم جویای حال این دانش‌آموز شدم. به نظر می‌رسید مسئولیت‌دادن هم در رفع مشکل او تأثیر زیادی نداشت. به مطالعه و تحقیق پرداختم، تا اینکه در مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی (دی ۱۳۹۳، ش ۴: ۲) جمله‌ی «من هم آموزگار شدم!» توجهم را جلب کرد.

با خودم فکر کردم این مطلب می‌تواند راهنمای خوبی برای حل این مشکل باشد. هفته‌ی بعد با شوق فراوان به همان مدرسه رفتم و از معلم کلاس ششم خواستم اداره‌ی کلاس را به‌عهده‌ی من بگذارد. معلم با روی باز پذیرفت. گفتم:



من هم آموزگار شدم

آموزشی

پنجم ماه
دوره‌ی بیست و پنجم
شماره‌ی ۵ | ۱۴۰۰

۲۰

در فصل هفتم از سند تحول بنیادین، هدف اول بر تربیت پرورش‌یافتگانی تأکید می‌کند که: «با درک مفاهیم بهداشت فردی و اجتماعی و مسائل زیست‌بوم طبیعی و شهری، به منزله‌ی امانات الهی، شایستگی حفظ و ارتقای سلامت فردی و بهداشت محیطی را کسب می‌کنند و با ورزش و تفریحات سالم فردی و گروهی به نیازهای جسمی و روانی خود و جامعه، بر اساس اصول برگرفته از نظام معیار اسلامی، پاسخ می‌دهند.»

«بچه‌ها دوست دارید روزی شاد در مدرسه داشته باشید؟» بچه‌ها با شوقی وصف‌ناپذیر به همدیگر نگاه کردند. در حالی که هیجان خود را برای این کار ابراز می‌کردند، همه یک‌صدا گفتند: «بله!»

روی تابلو نوشتیم: «یک روز شاد، با موضوع آموزشی آزاد». تصمیم گرفتیم هر کدامان در مورد چیزی صحبت کنیم که دوست داریم. بچه‌ها شور و شوق زیادی داشتند. من هم به‌عنوان دانش‌آموز انتهای کلاس نشستیم. قبل از آن، موضوع‌ها را دسته‌بندی کردیم و قرار شد هر شخص پنج دقیقه در کلاس صحبت کند. بیشتر دانش‌آموزان دختر با داستان‌گویی و اجرای نمایش، پنج دقیقه‌ی خود را سپری کردند و بیشتر دانش‌آموزان پسر در مورد بازی‌های رایانه‌ای و فوتبال صحبت کردند. نوبت به آرمان رسید. موضوعش را که در مورد عیب‌ها و مزیت‌های بازی‌های رایانه‌ای بود و علاقه‌ی زیادی به آن داشت، خیلی زیبا و رسا در کلاس ارائه داد.

نتیجه بسیار رضایت‌بخش بود. با معلم کلاس قرار گذاشتم با تکرار موضوع‌های متعدد در هفته‌های پی‌درپی و با تشویق آرمان به صحبت کردن و نوشتن درباره‌ی مطلب دل‌خواه خودش، موقعیتی را ایجاد کند که تاحدودی از مشکل این دانش‌آموز کاسته شود.

با دخترم هم کلاس

فریامویدنی
آموزگار



فرزند کوچک من نورا امسال کلاس‌اولی است و من در حین کمک به آموزش و یادگیری درس‌های او، در این دوران کروناپی، با صفحه‌ی مجازی «آموزش زبانویسی به کودکان کلاس‌اولی» آشنا شده‌ام. در این میان و به‌دنبال تمرین‌هایی که در این مدت با نورا برای آموزش خوب‌نویسی داشته‌ایم، متوجه شدم که حتی من نیز در این سن‌وسال با کمی تلاش آگاهانه می‌توانم زیباتر بنویسم. یادم می‌آید زمانی که کلاس‌اولی بودم، دست‌خطم جزو بهترین دست‌خط‌های کلاس‌مان بود و اغلب به‌خاطر تشویق می‌شدم. از معلمم آموخته بودم که خوش‌خطی یعنی صاف‌نوشتن روی خط زمینه، رعایت فاصله‌ی مناسب بین کلمات و نداشتن قلم‌خوردگی و رد‌نازیبایی پاک‌کن بر نوشته. دست‌خط من هم همگی این ویژگی‌ها را داشت و بنابراین طبیعی بود که در عالم کودکانی خودم فکر کنم که خوش‌خطم. این روال ادامه داشت تا اینکه با جهش تحصیلی به‌طور مستقیم از پایه‌ی اول به پایه‌ی سوم رفتم. در پایه‌ی سوم درس خوش‌نویسی داشتیم که از بدترین تجربه‌های همه‌ی دوران تحصیل بود. هنوز هم فلسفه‌ی آموزاندن خوش‌نویسی به بچه‌های هشت‌نه‌ساله، با آن روش‌های سخت‌گیرانه و با آن ابزار و ادوات (قلم و مرکب) را متوجه نشده‌ام. نگرانی زیاد از ریختن و پخش شدن جوهر مرکب روی دفتر و لباس، بد و نازیباشدن دست‌خط و دوباره دوباره نوشتن‌های توأم با ناامیدی و خستگی تا مگر یکی بر حسب تصادف کمی خوب از آب در بیاید، خاطره‌های آزاردهنده‌ی هستند که هرگز فراموش نمی‌کنم. همان‌جا بود که فهمیدم من نه تنها خوش‌خط نیستم، بلکه اصلاً استعداد خوش‌خطی هم ندارم.

کمی که بزرگ‌تر شدم، دست‌خط خودم را با دست‌خط پدر و مادرم مقایسه کردم. مرحوم پدرم زیبا می‌نوشتند، اما دست‌خط مادر جان تعریف چندانی نداشت. آن موقع به این نتیجه رسیدم که دست‌خط هم مثل رنگ مو و چشم ژنتیکی است و چون دست‌خط من به مادرم رفته است، نمی‌توانم برایش کاری کنم. تا همین اواخر هم بر همین باور بودم تا اینکه به لطف و مدد همراهی با آموزش‌های اینترنتی خوب‌نویسی به نورا متوجه شدم که آموزش خوب، هر چند که ناپهنگام و دیر هم باشد، تا حدودی توانایی غلبه بر عوامل قدرتمند وراثت و عادت را دارد. به‌شخصه متأسفم که تا به‌حال عزمی جدی برای یادگیری زبانویسی نداشته‌ام و بر این باورم که زبانویسی معلم، مانند هنرهای دیگری، به‌مثابه‌ی گل‌آوردن او سر سفره‌ی آموزش به فراگیرانش است. درعین حال، خوشحالم که نظام آموزشی فعلی ما تا حدودی دغدغه‌ی آموزش زبانویسی به نوآموزان را دارد. از خداوند سپاسگزارم که به‌واسطه‌ی مادری برای نورا هنوز برای تجربه‌ی بسیاری از آموزه‌های شگفت، از جمله همین تجربه‌ی یادگیری خوب‌نویسی در این سن‌وسال، فرصت می‌یابم. این موضوع برای من یادآور بخشی از کتاب خوب «لحظه‌های حقیقی» است که می‌گوید: «حال که فرزند یا فرزندان دارید، از آنان به‌عنوان معلم‌ها و موهبت‌های زندگی‌تان استقبال کنید و اجازه دهید در بازگشت به دنیای معصومیت و شگفتی، آن‌ها راهنمای شما باشند.»

گزیده‌ای از سندهای درسی ملی

در سند برنامه‌ی درسی ملی، در حوزه‌ی تربیت و یادگیری زبان و ادبیات فارسی، درباره‌ی یکی از کارکردهای اصلی زبان آمده است: ابزاری است برای ایجاد زیبایی هنری که همان ادبیات است. از زبان برای هد فهای گوناگون استفاده می‌شود؛ ... از جمله آشنایی با پیشینه‌ی فرهنگی، حفظ آداب و رسوم قومی محلی، احساس تعلق و ایجاد هویت ملی، قدرت بیان عقاید شخصی، دریافت ایده‌ها و افکار، بیان تخیلات و بدیعه‌گویی، و دادن اطلاعات در زمینه‌های گوناگون.



نمونه‌ای از تدریس
مجازی خوش‌نویسی



آیندازی

پنجم‌ماه
دوره‌ی بیست و پنجم
شماره‌ی ۵ | ۱۴۰۰

۲۱

شاد ترش کنیم...

طاہرہ کرمی شال
آموزگار دبستان



تجربہ‌ی من

در روزهای اول سال تحصیلی متوجه شدم حضور دانش‌آموزان در کلاس مجازی شاد اندک است و آن‌ها این محیط را به اندازه‌ی کلاس حضوری جدی نمی‌گیرند. تلاش کردم با پرسش از خود دانش‌آموزان و والدین آن‌ها علت این حضور نیافتن را جویا شوم. نتیجه‌ی صحبت‌های من با دانش‌آموزان و والدین نشان داد برخی از مهم‌ترین دلیل‌های

مدرسه‌ی ابتدایی پسرانه‌ی شاهد «شهیدان سخنور» مدرسه‌ای دولتی است که در استان تهران، شهر تهران، قرار دارد و محسن رکابدار مدیر آن است. مدرسه ۳۵۰ دانش‌آموز دارد و ۱۲ کلاس درس. جمعیت تقریبی هر کلاس ۳۰ نفر است. طاہرہ کرمی شال آموزگار پایه‌ی پنجم است و در کلاسش ۳۲ دانش‌آموز دارد.



آموزشی
ابتدایی

پنجم‌ماد
دوره‌ی بیست و پنجم
شماره‌ی ۵ | ۱۴۰۰

۲۲



حضور نیافتن در کلاس مجازی به این شرح هستند:

(الف) مشکلات دانش آموزان

۱. حوصله نداریم درس بخوانیم؛
۲. نمی دانیم بعضی از تکلیفها را چگونه باید انجام بدهیم؛
۳. پدر و مادر ما سر کارند و وقت ندارند به ما کمک کنند؛
۴. گوشی دست پدر و مادرمان است و ما در زمان مناسب به کلاس دسترسی نداریم.

(ب) محدودیت های فنی

۱. نرم افزار شاد در اوایل سال تحصیلی بسیار کند عمل می کرد و مشکل داشت؛

۲. اینترنت قطع و وصل می شد؛

۳. نرم افزار در گرفتن یا فرستادن فیلمها یا فایل های صوتی و تصویری کند عمل می کرد؛
۴. گوشی یا رایانه ای کیفی (لپ تاپ) یا رایانک (تبلت) دانش آموزان اشکال فنی داشت.

(ج) محدودیت های خانوادگی

۱. برخی از والدین شاغل بودند؛
 ۲. برخی از دانش آموزان، بدون حضور والدین، نمی توانستند از لپ تاپ یا گوشی یا تبلت استفاده کنند؛
 ۳. بعضی از اعضای خانواده با بیماری کرونا درگیر بودند؛
 ۴. برخی از اولیا از کارکنان درمانی بودند و بیشتر اوقات فرزندان را نمی دیدند.
- با جمع بندی موارد به این نتیجه رسیدیم که باید تا جای ممکن احساس تعلق دانش آموزان به کلاس درس را افزایش دهیم، به طوری که با وجود تمام موانع موجود، به صورت خودکار و با خواست و اراده ی خود، برای حضور در کلاس برخط و رسیدن به اهداف آموزشی تلاش کنند. بعد از امتحان کردن خیلی از راه حل ها، تصمیم گرفتیم در کلاس شاد هم مثل کلاس حضوری دانش آموزان را گروه بندی کنیم. گروه بندی دانش آموزان این مزیت ها را دارد:
۱. یادگیری در آن ها عمیق می شود؛
 ۲. از حمایت های فردی همدیگر برخوردار می شوند؛
 ۳. متوجه می شوند چه موارد یا مسئله هایی را غلط یا ناقص آموخته اند؛
 ۴. به نقش ارزشیابی و نیاز به خودارزشیابی بیشتر پی می برند؛
 ۵. به مرحله ی خودسنجی پایدار می رسند.

فعالیت هایی را از آن ها خواستیم که در ادامه به نمونه هایی از آن ها اشاره می کنم:

هر کدام از افراد گروه آیاتنی از درس جدید قرآن را روان خوانی و فایل صوتی خود را در گروه می فرستد؛ برای مثال اعضای گروه «یوسف» باید از آیه ی شماره ۱ تا ۵، گروه «محمد» از آیه ی ۶ تا ۹ و گروه «علی» قسمت مشخص شده ی خودش را بخواند. سپس سرگروه ها موظفاند تا ساعت مشخصی این فایل ها را از روی کتاب بررسی و نتیجه را برای معلم بازگو کنند. همین روند در شعرهای کتاب فارسی نیز اجرا می شود؛ به این ترتیب، هر کدام از دانش آموزان شعر جدید فارسی را حفظ و برای گروه خود می فرستد. سرگروه باید آن را بررسی کند و نتیجه را به معلم گزارش دهد. خود من هم بر تمام فعالیت های آن ها نظارت می کردم و به موقع در همان جا بازخوردهای مناسب می دادم.

انجام این فعالیت ها باعث شده بود بچه ها با هم صمیمی شوند و در عین حال ارتباطی هدفمند در فضای مجازی داشته باشند. در اوایل تشکیل این گروه ها، اولیا پیام تشکر می فرستادند و می گفتند: «بچه ی ما خیلی فرق کرده است. تکلیف ها را با علاقه انجام می دهد و می خواند. از تنهایی هم در آمده است.» خودم هم این تغییرات را در دانش آموزانم احساس می کردم.

گزیده ای از سند برنامه ی درسی ملی

سند برنامه ی درسی ملی، در بند سوم از اصول ناظر بر برنامه های درسی و تربیتی بر توجه به «نقش فعال، داوطلبانه و آگاهانه ی دانش آموز در فرایند یاددهی یادگیری و تربیت پذیری و نیز بر فراهم آوردن زمینه ی تقویت و توسعه ی روحیه ی پرسشگری، پژوهشگری، خلاقیت و کارآفرینی» تأکید می کند.

آیندازی

پنجم ماه

دوره ی بیست و پنجم
شماره ی ۵ | ۱۴۰۰

۳۳

تربیت فناورانه

ساحت تعلیم و تربیت
علمی و فناورانه



فاطمه دولتی

شوق فراوانی داشت، قرار بود برای اولین بار دانش‌آموزانش را، با هماهنگی مدرسه، به اردو ببرد، نه اردویی تفریحی، بلکه اردویی علمی. کارخانه‌ی تولید چای در نزدیکی مدرسه بود و با صحبت‌های از پیش انجام‌شده، بچه‌ها می‌توانستند از ابتدا تا انتهای تولید چای را ببینند و تجربه‌ای بی‌نظیر کسب کنند. آقای معلم یاد کودکی خود افتاد. وقتی که برای بازدید از کارگاه تولید کیف و کفش چرم رفته بودند و او از همان زمان عاشق چرم‌دوزی شده بود. حالا در کنار معلمی برای دل خودش، گاه‌گاه، دستی به دوخت چرم می‌برد. خوب می‌دانست آشنایی بچه‌ها با فرایند تولید چای، دیدن تجهیزات کارخانه و پرسیدن پرسش‌های متعدد شگفت‌انگیز خواهد بود. معلمش گفته بود: «شما بعد از اینکه معلم شدید، باید در زمینه‌های متعددی رشد کنید. چراکه این رشد هم در زندگی خودتان مؤثر است و هم در ارتقای آموزشی که به دانش‌آموزانتان ارائه می‌کنید.» رشد در ساحت علمی و فناورانه یکی از مواردی است که باید به آن توجه شود، اما معلم چگونه می‌تواند در این زمینه خوش بدرخشد؟

مطالعه و آزمایش کنید

کوچک می‌رسید. فشار دکمه‌ی کنترل، موجب حرکت موتور و در نتیجه حرکت ماشین خواهد شد. حالا شما و دانش‌آموزانتان به‌طور مستقیم تولید انرژی مکانیکی دورانی را توسط انرژی الکتریکی دیدید.

مشاهده‌ی دقیق

مشاهده‌ی دقیق در پدیده‌های اطراف می‌تواند موجب ایجاد سؤال و در نتیجه خلاقیت شود. شما می‌توانید به وسایل اطراف خود بنگرید و در مورد آن با دانش‌آموزان خود صحبت کنید؛ مثلاً روش کار شوفاژ، بخاری و کولر را بررسی کنید. بپرسید از چه روش‌های دیگری می‌شود کلاس را گرم یا خنک کرد؟ ایده‌ها را روی تخته بنویسید و در مورد آن‌ها حرف بزنید. شما می‌توانید، در حین گفت‌وگو، وسایل اختراع‌شده با فناوری جدید را به دانش‌آموزان خود معرفی کنید؛ برای مثال صفحه‌های خورشیدی، چپرها و...

پیوند علم و طبیعت

زبان دنیا ریاضی و از همه مهم‌تر هندسه است. به نظر می‌رسد همه‌ی دنیا از یک الگوی خاص هندسی پیروی می‌کند. اگر تا به حال به قرار گرفتن دانه‌های آفتاب‌گردان روی گل آن توجه کرده باشید، حتماً مارپیچی را دیده‌اید. این مارپیچ‌ها باعث می‌شوند دانه‌ها به‌صورت یک اندازه و با توزیع یکنواخت روی گل رشد کنند و در عین حال، بیشترین تعداد را داشته باشند، یا شش ضلعی‌های کندوی عسل می‌توانند نمونه‌ی خوبی برای نشان دادن کاربرد علم در طبیعت باشند. ریاضی‌دانان معتقدند، علت ایجاد این شش ضلعی‌ها این است که این شکل‌ها بیشترین استحکام را ایجاد کرده‌اند و بالاترین کارایی را در ذخیره‌سازی عسل دارند. در عین حال، کمترین میزان موم در ساخت آن‌ها صرف می‌شود. تشکیل کندو با شکل‌هایی مثل دایره یا چندضلعی‌های دیگر نیز امکان‌پذیر است، اما در تمام این تقسیم‌بندی‌ها، جاهای خالی بدون استفاده‌ای به وجود می‌آیند که نمی‌توان از تمام محیط برای انبارسازی استفاده کرد. با تماشای تصویر یا نمونه‌ی واقعی، مواردی چون مثال‌های بالا می‌توانید به نقش خداوند در خلق چنین پدیده‌هایی نیز اشاره کنید.

مطالعه کردن یکی از در دسترس‌ترین و بهترین روش‌ها برای رشد در بعد علمی و فناوری است. شما می‌توانید، با مطالعه‌ی کتاب‌های علمی متعدد، از نتیجه‌های تجربه‌های متراکم بشری در حوزه‌ی علم و فناوری آگاه شوید. آن‌گاه آنچه را آموخته‌اید، به زبان ساده و فهم‌پذیر، به دانش‌آموزانتان ارائه کنید. برای مثال، اینکه هرگونه ناخالصی نقطه‌ی ذوب و انجماد ماده را پایین می‌آورد، به‌صورت عینی اجرا کنید. اگر شما به آب مقداری نمک یا الکل یا هر ماده‌ی دیگری اضافه کنید و آن را در فریزر بگذارید، می‌بینید که دیرتر از آب خالص یخ می‌زند. حال بعد از یخ‌زدن، وقتی آن را از یخچال خارج کنید، متوجه می‌شوید زودتر از یخ معمولی به آب تبدیل می‌شود.

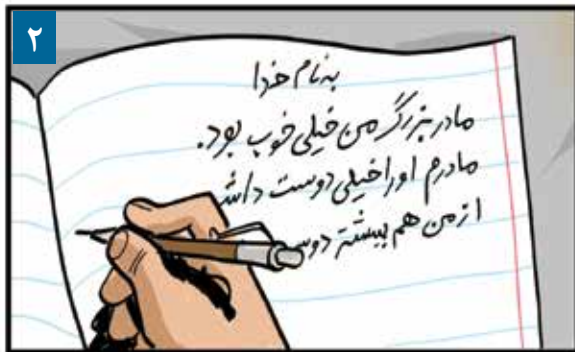
فناوری کجایی؟

به‌طور کلی، بسیاری از ما، بعد از سال‌ها زندگی و آموزش، با بسیاری از مقدمات فناوری آشنا هستیم؛ مقدماتی که گاهی به آن بی‌توجهیم. شما می‌توانید، با دقت و توجه در ابزار و وسایل اطراف خود، فناوری به‌کاررفته در آن را بررسی کنید؛ مثلاً یک ماشین اسباب‌بازی کنترلی را به کلاس ببرید، با باز کردن پیچ‌های آن به آرمیچری

فیلمش می‌کنم

کبری محمودی
تصویرگر: سام سلماسی

داستان تصویری



آندازی
پهمن‌ماه
دوره‌ی بیست و پنجم
شماره‌ی ۵ | ۱۴۰۰



مصمم هستیم

معلم و مهارت تصمیم‌گیری در کلاس درس



لیلا سلیقه‌دار
مشاور آموزشی

آزمون تصمیم‌گیری

برای اینکه بتوانید الگوی مناسبی از تصمیم‌گیری برای دانش‌آموزان باشید، لازم است بتوانید سطح مهارت و توانمندی خود را در این زمینه اندازه‌گیری کنید. پرسش‌هایی که در ادامه و در جدول پایین همین صفحه می‌آیند، راهنمای خوبی در این باره‌اند.

با پاسخ به سؤالات یادشده می‌توانید دریابید که در چه زمینه‌هایی از مهارت تصمیم‌گیری نیازمند ایجاد تغییر هستید. در عین حال، شناسایی شیوه‌های گوناگون تصمیم‌گیری و انتخاب مناسب‌ترین آن‌ها در اتفاق‌های کلاسی بسیار راهگشاست.

آخرین باری که در کلاس ناچار شدید تصمیم بگیرید، به چه زمانی و چه موقعیتی برمی‌گردد؟ پاسخ به این سؤال کار ساده‌ای است، زیرا در کلاس به‌طور مداوم ناگزیر از تصمیم‌گیری هستیم و به‌نوعی می‌توان گفت که معلمی با تصمیم‌گیری در هم تنیده است، اما مهم‌تر از به‌کاربردن این مهارت، درست تصمیم‌گرفتن است. تا چه اندازه در این باره اقدام‌های مناسبی داریم؟ این توانایی به خرده‌مهارت‌های دیگری ارتباط دارد که می‌تواند از نگاه معلم پیگیری و ارائه شود.

تصمیم‌گیری احساسی

شاید خیلی شنیده باشید که تصمیم‌گیری احساسی، به‌ویژه در مسائل کلاسی چندان مناسب نیست، زیرا در این نوع تصمیم‌گیری، عواطف و هیجان‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. با این همه، برخی از برخوردهای کلاسی، در ارتباط با دانش‌آموزان، به‌گونه‌ای هستند که گریزی از توجه به عواطف و حتی تصمیم‌گیری‌های احساسی نیست، اما باید مراقب باشید که این اقدام را به همه‌ی موقعیت‌های کلاسی تعمیم ندهید و از آثار نامطلوب آن در امان بمانید.

تجربه‌ی کلاسی

وقتی دانش‌آموزم از من خواست فقط برای یک بار خارج از مدرسه با هم تلفنی صحبت کنیم، با توجه به اوضاع آن زمان، انجام آن، کاری درست و منطقی نبود، اما به‌صورت احساسی آن را پذیرفتم و انجام دادم. حالا همان دانش‌آموز، همکار معلم من است و می‌گوید که تاکنون این بهترین اتفاق در زندگی تحصیلی او بوده و گفت‌وگوی با من به او دلگرمی بیشتری داده است.

من چگونه هستم؟	گزاره‌های تصمیم‌گیری
	منطقی یا احساسی: آیا فکر می‌کنید در تصمیم‌گیری به‌اندازه‌ی کافی منطقی هستید یا تحت تأثیر احساسات و از روی تخمین‌های سرانگشتی عمل می‌کنید؟
	تردید / اطمینان منطقی / اطمینان متعصبانه: آیا هنگام تصمیم‌گیری می‌توانید تردیدها، احساسات یا اطمینان بیش از حد خود را کنترل کنید؟
	آگاهانه: آیا در تصمیم‌های خود، همه‌ی اطلاعات لازم را فراهم آورده‌اید؟
	سرعت مناسب: آیا شتاب‌زده تصمیم می‌گیرید یا در انجام کارها آن قدر تعلل می‌کنید که زمان از دست برود؟
	شخصیت‌سازی: آیا در تصمیم‌گیری از نسبت‌دادن همه‌ی اتفاق‌ها به خود دوری می‌کنید؟
	تصمیم‌سازی: آیا برای رسیدن به نتیجه‌ی درست، گاهی موارد را از طریق تصمیم‌سازی دنبال می‌کنید؟
	مشارکتی: آیا تصمیم‌گیری در کلاس شما، گاهی به شیوه‌ی مشارکتی و تعاملی رخ می‌دهد؟
	لنزه‌های خطرناک: آیا از اطلاعات و پیش‌آگاهی‌هایی پرهیز می‌کنید که مانع دریافت اطلاعات درست می‌شوند؟ مانند اطلاعات و برداشت‌های معلم دیگر از دانش‌آموزان شما.
	تصمیم‌گیری همراه با اختیار: آیا در تصمیم‌گیری‌ها برای اختیار و انتخاب‌گری دانش‌آموزان خود سهمی در نظر می‌گیرید؟



آموزش مهارت تصمیم‌گیری



راهنمای انتخاب بهتر



یا راضی‌نگه‌داشتن والدین و... دچار تصمیم‌گیری‌های مطیعانه می‌شوند. این تصمیم‌گیری فقط بر اساس انتظارات دیگران است و در آن از منطق یا حقوق و انتظارات متقابل خبری نیست، تا جایی که ممکن است، معلم با این نحو تصمیماتش از خواسته‌ها و اهداف کلاس دور شود.

تجربه‌ی کلاسی

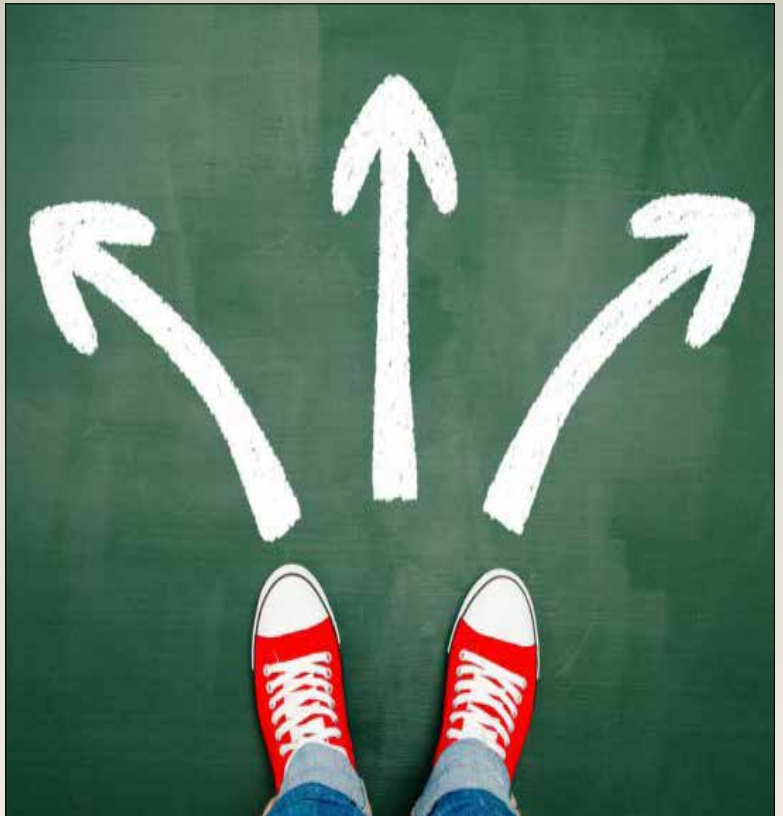
همکاری داریم که مدام برای همه‌ی تصمیم‌ها و اقدامات خود به نظر دیگران توجه می‌کند. برای مثال همین اواخر املاي دانش‌آموزان را حذف کرد، برنامه‌ای که با هم تصمیم به اجرا گرفته بودیم. دلیل این کار را درخواست والدین مطرح کرد. او همچنین گاهی شیوه‌ی ارائه‌ی درس را فقط با نظر دانش‌آموزان دستخوش تغییر می‌کند و همیشه هم مخالفان و منتقدان زیادی دارد. در اغلب این اتفاق‌ها، نمی‌توانیم برای تصمیم‌هایش دلیل و برهان منطقی پیدا کنیم و به‌خاطر هم‌پایه‌بودن با او دچار مشکل هستیم. اگر فقط خواست و نظر دانش‌آموزان، والدین یا حتی مدرسه و... ملاک تصمیم‌گیری است، پس اصول روان‌شناسی، نظریه‌های یادگیری و... برای چیست؟

تصمیم‌گیری تقدیری

شما هم تجربه‌ی همکاری با معلمانی را داشته‌اید که برای حضور دانش‌آموز خاصی در کلاس خود حسرت می‌خورند، ابراز ناراحتی می‌کنند و همه‌چیز را به شانس بد خود نسبت می‌دهند. این نوع واکنش‌ها منجر به تصمیم‌هایی می‌شود که به آن تصمیم‌گیری تقدیری می‌گوییم. تصمیم‌گیری تقدیری موجب می‌شود، معلم به توانایی، اختیار و قدرت انتخاب خود در تغییر وضعیت توجه نکند و به‌نوعی تسلیم آن شود.

تصمیم‌گیری منطقی

سالم‌ترین و بهترین شیوه در تصمیم‌گیری روش منطقی است. معلم در این حالت تلاش می‌کند بر اساس فکر و منطق عمل کند. در این شیوه انتخاب بر اساس اطلاعات درست و سنجیده رخ می‌دهد و عواقب هر انتخاب قبل از اقدام بررسی می‌شود. به این نوع تصمیم‌گیری، تصمیم‌گیری آگاهانه نیز گفته می‌شود.



تصمیم‌گیری اضطراری

با موضوع روشن کنید تا به آرامش برسید و در عین حال، الگوی نامناسبی را در اختیار دانش‌آموزان خود قرار ندهید.

در اینجا مقصود از تصمیم‌گیری اضطراری، قرارگیری در موقعیت‌هایی است که معلم ناگزیر است، به‌صورت موقتی و در زمان اندک، دست به اقدام بزند. ممکن است کسی که عادت به تصمیم‌گیری منطقی دارد، در چنین اوضاعی نیز با حداکثر سرعت تصمیم‌درستی بگیرد و لزوماً تصمیم اضطراری او به نتیجه‌های بد منجر نشود، اما به‌صورت کلی عادت‌های تصمیم‌گیری افراد در مناسب‌بودن یا نامناسب‌بودن تصمیم‌های اضطراری بسیار تأثیر دارند. شاید گاهی لازم است تصمیم‌های مهم و قطعی در وضعیت اضطرار گرفته نشوند و بر موقتی‌بودن آن‌ها تأکید شود.

تصمیم‌گیری اجتنابی

گاهی دانش‌آموزان یا اتفاق‌ها موجب می‌شوند، معلم دچار تعارض شود و قادر نباشد درست انتخاب کند. در چنین حالتی، برخی ترجیح می‌دهند که از آن موضوع فرار کنند. اگر تجربه‌ای از این نوع تصمیم‌ها دارید، مناسب‌ترین حالت این است که در اولین فرصت تکلیف خودتان را

تجربه‌ی کلاسی

مدتی بود که دانش‌آموزان می‌خواستند اردوی شب‌مانی در مدرسه داشته باشیم. می‌دانستم پیشنهاد این موضوع به مدرسه با موافقت صددرصد مدیر همراه خواهد بود، اما خودم اصلاً آمادگی این کار را نداشتم و به همین دلیل، مدام از گفت‌وگو در این باره دوری می‌کردم و هر بار به دانش‌آموزان می‌گفتم: «حالا صبر کنید.» یا «بگذارید ببینیم چه می‌شود.» و... این کار موجب شده بود که اعتماد بچه‌ها کمتر شود و دیگر با میل و اشتیاق پیشنهادهای و خواسته‌هایشان را با من در میان نگذارند.

تصمیم‌گیری مطیعانه

برخی معلمان به‌دلایل گوناگون اعم از اعتمادبه‌نفس پایین، جلب توجه دانش‌آموز

آموزشی

پنجم‌ماه

دوره‌ی بیست و پنجم

شماره‌ی ۵ | ۱۴۰۰

۲۹

براش نقشه دارم

نقشه‌ی مفهومی در سنجش مفاهیم یادگیری

مثال ۱: نقشه‌ی کامل نشده‌ای را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد تا او از جعبه‌ی کلمات، کلمات مناسب را انتخاب کند و در جای مناسب بگذارد. در این جعبه، کلمات بدون استفاده هم گذاشته شده‌اند.

جعبه‌ی کلمات

گیاهان، کتاب، خانه، موجودات زنده، سبزه، ماهی، هوا.

مثال ۲: یک نقشه‌ی مفهومی که در آن تمامی خانه‌ها خالی است، در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد تا کلمات مناسب را از داخل جعبه انتخاب کند و به این ترتیب نقشه‌ی مفهومی را خود از قدم اول کامل می‌کند.

جعبه‌ی کلمات

جانوران، گیاهان، سنگ‌ها، نور، هوا، موجودات زنده، حوضچه، حلزون، ماهی، میز، کتاب، موجودات غیرزنده، خز، سبزه، قلم، خانه، سبزه.

مثال ۳: در این شیوه فقط جعبه‌ی کلمات به دانش‌آموز داده و از او خواسته می‌شود یک نقشه‌ی مفهومی بسازد. این شیوه‌ی پرسش، نسبت به دو روش قبل، در سطح بالاتری قرار دارد. با استفاده از کلمات موجود در جعبه‌ی کلمات یک نقشه‌ی مفهومی رسم کنید. خط‌های رابط باید ارتباط بین دو کلمه را به درستی نشان دهند.

جعبه‌ی کلمات

جانوران، گیاهان، سنگ‌ها، نور، هوا، موجودات زنده، حوضچه، حلزون، ماهی، میز، کتاب، موجودات غیرزنده، خز، سبزه، قلم، خانه، سبزه.

معصومه فروش

برنامه‌ریز درسی



ارزشیابی بخش جدایی‌ناپذیر فرایند یاددهی یادگیری است، نه نقطه‌ی پایانی آن. هدف غایی ارزشیابی، اصلاح و بهبود فرایند یاددهی یادگیری و تعیین سطح عملکرد دانش‌آموزان در دستیابی به اهداف مورد انتظار است. در ارزشیابی باید تناسب و هماهنگی بین هدف‌ها، محتوا و روش‌های یاددهی یادگیری مربوط به هر ماده‌ی درسی مورد توجه قرار گیرد (راهنمای معلم در ارزشیابی توصیفی، ۱۳۹۸).

ارزشیابی به‌عنوان جزء مهمی از فرایند یاددهی یادگیری، نشان‌دهنده‌ی میزان کیفیت پیشرفت دانش‌آموزان و نیز توانایی‌ها و موفقیت برنامه‌ریزان و مجریان در تلاش برای تحقق اهداف آموزشی است. علاوه بر آن ارزشیابی پیشرفت تحصیلی تربیتی نقش‌های مهم دیگری نیز در فرایند یاددهی یادگیری ایفا می‌کند. از جمله :

● ارزشیابی به‌فرایند یاددهی یادگیری جهت می‌دهد: ارزشیابی با تحت تأثیر قرار دادن فعالیت‌ها و مواد آموزشی، به فرایند یاددهی یادگیری جهت می‌دهد. این جهت‌دهی بر مبنای رویکرد آموزشی تربیتی برنامه‌های درسی صورت می‌گیرد. از سوی دیگر، ارزشیابی از تلقی‌های معلمان تأثیر می‌پذیرد؛ به عبارتی وقتی دانش‌آموز به مثابه‌ی ظرفی خالی در نظر گرفته شود که باید

با دانستنی‌های معلم پر شود، ارزشیابی از محفوظات ذهنی وی مورد نظر خواهد بود و جریان یادگیری هم به سمت انبوه‌سازی مفاهیم در ذهن دانش‌آموزان هدایت می‌شود. اما اگر دانش‌آموز به عنوان عنصر فعال فرایند یاددهی یادگیری در نظر گرفته شود که در ساخت و تولید دانش نقش دارد و معلم نقش تسهیل‌گر و راهنما را برعهده دارد، ارزشیابی دیگر صرفاً بر محفوظات ذهنی تمرکز نمی‌کند و شایستگی‌های کسب‌شده توسط دانش‌آموز را مورد توجه قرار می‌دهد.

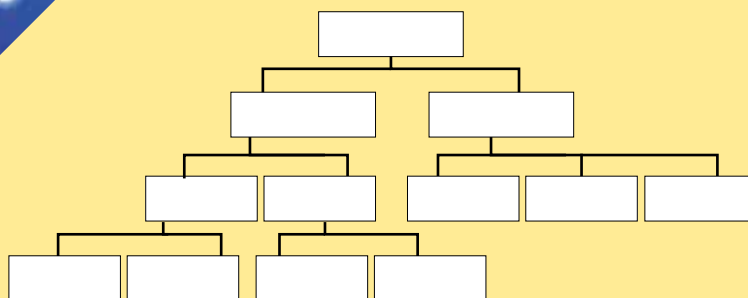
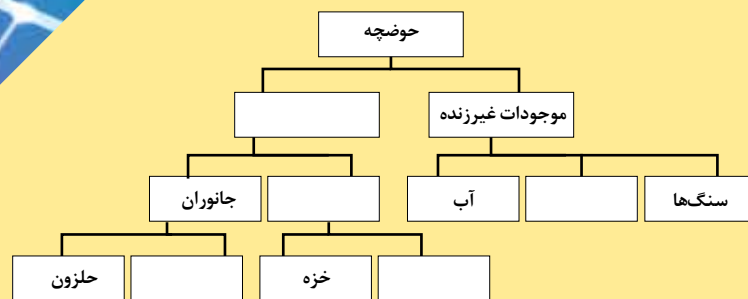
● ارزشیابی رشددهنده است: رشد امری تدریجی است و مراحلی دارد و رسیدن به هر مرحله، مرحله بعد و نحوه رسیدن به آن را مشخص می‌کند. ارزشیابی دانش‌آموز را نسبت به نقاط قوت و ضعف خودآگاه و در او انگیزه اصلاح و حرکت به سمت جلو را ایجاد می‌کند.

● ارزشیابی تصمیم‌ساز است: همه می‌توانند به مقصد برسند ولی هرکس با شیوه مطلوب و سرعت خاص خود حرکت می‌کند. ارزشیابی نشان می‌دهد فرد کجاست و تا مقصد چقدر راه دارد و بقیه راه را نشان می‌دهد. به این ترتیب به معلم و دانش‌آموز در تصمیم‌گیری برای ادامه مسیر یادگیری کمک می‌کند.

رویکرد و هدف ارزشیابی، زمان انجام آن را تعیین می‌کند.

ارزشیابی پیشرفت تحصیلی باید بازخوردهایی دقیق و روشن از عملکرد دانش آموز فراهم کند تا انجام تغییرات و اصلاحات لازم امکان پذیر شود. اعتبار اطلاعات به دست آمده از جوانب گوناگون، با استفاده از چند ابزار و روش، چند منبع و در زمان های متفاوت، به مراتب بیشتر و قضاوت مبتنی بر آن ها اطمینان بخش تر است. تدبیرهایی همچون: استفاده از چند ابزار برای اندازه گیری به جای محدود کردن آن به استفاده از یک ابزار، ارزشیابی در موقعیت ها و زمان های متفاوت، و استفاده از ابزارهای مناسب برای برآورد جنبه های گوناگون یادگیری (رحیمی، رضایی و راضی، ۱۳۸۲: ۸۸).

در درجه ی اول این دانش آموزان هستند که باید از وضعیت تحصیلی خود آگاه باشند. بنابراین بازخوردهای آنی معلم به دانش آموزان حین و پس از انجام یک فعالیت به او کمک می کند تا با تصویری روشن از وضعیت یادگیری خود و آنچه باید در ادامه انجام دهد، آشنا شود. در درجه دوم برای گزارش وضعیت دانش آموز به والدین او کارنامه ای در پایان نوبت های اول و دوم داده می شود. ارائه کارنامه در پایان سال تحصیلی نشان می دهد دانش آموز حق ارتقا به پایه بالاتر را دارد یا لازم است برای کسب این شایستگی در درسی که به حد قابل قبول نرسیده است، فعالیت های یادگیری خود را در طول تابستان ادامه دهد و در نهایت شهریور ماه با ارائه ی یک گزارش توصیفی از عملکرد دانش آموز و یا با برگزاری یک آزمون کتبی (پایه ششم) توسط معلم و شورای مدرسه درباره ی ارتقای وی تصمیم گیری می شود.



تخته‌ی سرامیکی



نمونه‌ای از تدریس مجازی الفبا



گفت‌وگو از : الهام فراستی

می‌گویند آدم‌ها را باید در سختی شناخت. دوران کرونا غیر از سختی‌هایی که برای همه داشت، کار را برای آموزگاران سخت‌تر کرد، زیرا ارتباط چهره‌به‌چهره با دانش‌آموزان که از نیازهای اولیه‌ی معلم و شاگرد به‌شمار می‌رفت، اکنون قطع شده بود. اما با وجود تمام سختی‌ها، قصه‌های زیبایی از فداکاری آموزگاران می‌شنیدیم، تا بار دیگر ثابت شود معلمی تبلور واقعی فداکاری بدون مرز است. فاطمه زمانی، متولد سال ۱۳۶۱ در شهر مشهد است که کاردانی رشته‌ی علوم تربیتی گرایش مدیریت آموزش و پرورش را از دانشگاه فردوسی گرفته و یازده سال است در آموزش و پرورش خدمت می‌کند. این معلم فرهیخته که خود فرزند شهید است، مهربانی آموزگارش در کلاس اول، رفتار شایسته‌ی معاون دوران دبیرستانش و پی‌گیری‌های مادر فداکارش را عواملی می‌داند که او را به این مسیر هدایت کرده است. در این شماره صحبت‌های این عزیز را می‌خوانیم.

■ اولین تجربه‌های تدریس در دوران کرونا چگونه بود؟

اوایل خیلی سخت بود. ما در روستایی محروم هستیم که خیلی از اولیا گوشی هوشمند نداشتند. مجبور بودم یک روز در میان با تماس تلفنی درس را برای هر دانش‌آموز، به‌مدت ده تا پانزده دقیقه، توضیح دهم. این کار خیلی وقتم را می‌گرفت. به‌مرور خیلی از اولیا به‌خاطر فرزندشان گوشی هوشمند تهیه کردند. با همکاری آن‌ها در فضای مجازی گروهی تشکیل دادیم. من از تصویرهای کتاب درسی عکس می‌گرفتم و توضیحات را به‌صورت پیام صوتی در گروه می‌گذاشتم. برای درس ریاضی هم با کمک همسرم فیلم تهیه می‌کردم و به گروه می‌فرستادم.



عکاس: زینب علیپور



گاهی هم مجبور می‌شدم نحوه کار کردن با گوشی را به اولیا آموزش دهم. لذا مدیر مدرسه، آقای جمشید اربابی، با برگزاری جلسه‌ای در مدرسه، نحوه کار با گوشی را به اولیا و دانش‌آموزان آموزش دادند. بعدها اداره‌ی آموزش و پرورش اجازه داد کلاس‌ها هم مجازی و هم حضوری تشکیل شوند و بعد از آن نیز شبکه‌ی آموزشی دانش‌آموزان (شاد) تشکیل شد و کم‌کم بچه‌ها یاد گرفتند به تنهایی درس‌ها را گوش دهند.

■ کلاس را فقط به صورت مجازی برگزار می‌کردید؟

در سال ۱۳۹۹، از شهریورماه، با هماهنگی مدیر مدرسه، گروهی تشکیل دادم تا دانش‌آموزانم را بیشتر بشناسم. قرار شد هم کلاس حضوری داشته باشیم و هم مجازی. دانش‌آموزان را به دو گروه الف و ب تقسیم کردم. ساعت و روزی که دانش‌آموزان الف می‌آمدند، دانش‌آموزان گروه ب در خانه بودند و هم‌زمان به صورت مجازی در کلاس شرکت می‌کردند و برعکس. زمانی هم که در خانه بودم و تدریس می‌کردم،

طبقه‌ی پایین منزل را به عنوان کلاس در نظر گرفته بودم. هم‌سرم یکی از دیوارها را سرامیک کرده بود و من از آن به عنوان تخته استفاده می‌کردم. تولید محتوا داشتم. آزمایش‌های علوم را در خانه انجام می‌دادم، فیلم می‌گرفتم، صداگذاری می‌کردم و گاهی تا چهار صبح بیدار می‌ماندم؛ چون به سکوت خانه نیاز داشتم.

■ با وجود آموزش مجازی، چندین طرح را هم پیاده و اجرا کرده‌اید. از آن‌ها بگویید.

بعد از آنکه طرح خوانا آمد، مجری طرح خوانا شدم. دو طرح را در کلاس اجرا کردم: یکی طرح «همیار معلم» بود؛ دانش‌آموزی که می‌توانست یکی از مباحث ریاضی را تدریس کند، بعد از تدریس من اعلام آمادگی می‌کرد و با هماهنگی اولیا و مدیر مدرسه، ساعت و روز مشخصی را در گروه اعلام و با بقیه‌ی دانش‌آموزان در برنامه‌ی زنده‌ی (لایو) آن دانش‌آموز شرکت می‌کردیم. مدیر مدرسه تخته و وسایل مورد نیاز را در اختیار آن دانش‌آموز

دانش‌آموزان خواستم هر روز خبری را از اخبار داخل روستا بنویسند و برای من بفرستند. من خبر را اصلاح می‌کردم و تیترو اول خبر را در برنامه‌ی شاد می‌گذاشتم. هر شب ساعت نه اخبار بچه‌ها را در گروه می‌گذاشتم. در این طرح هم دانش‌آموزان، مخصوصاً خجالتی‌ها، اعتمادبه‌نفس خوبی پیدا می‌کردند.

■ جشن مجازی هم داشتید؟

بله. جشن ارتقای سطح قرآن دانش‌آموزان در پایه‌ی سوم. هر سال وقتی بچه‌ها قرآن خواندن را یاد می‌گرفتند، این جشن را در نمازخانه‌ی مدرسه برپا می‌کردیم. سال گذشته تصمیم گرفتم این جشن را به صورت مجازی برپا کنم.

از بچه‌ها خواستم عکس‌ها و فیلم‌های خود را در هنگام قرائت قرآن برایم بفرستند. کلیپی از آن‌ها تهیه کردم. طبقه‌ی پایین خانه را که محل کارم شده بود، با وسایلی که داشتم آماده‌ی برگزاری جشن کردم. جوایزی را نیز برای بچه‌ها تدارک دیدم. یک آماده کردم و از بچه‌هایی که داوطلب بودند، خواستم برای خواندن شعر و دکلمه حاضر شوند، خودم هم مجری جشن شدم و جشن را به صورت زنده در برنامه‌ی شاد برگزار کردیم.

تبریک تولد بچه‌ها در گروه، از دیگر کارهایی بود که در طول تدریس مجازی انجام می‌دادم.

قرار می‌داد. این طرح مهارت گویندگی، صحبت کردن، اعتمادبه‌نفس و خلاقیت را در دانش‌آموزان تقویت می‌کرد. به‌طور مثال، در یکی از همین تدریس‌های همیارمعلم، دانش‌آموز پایه‌ی سوم با کمک پدرش پشت شیشه را رنگ زده بود و از آن به عنوان تخته‌ی کلاس استفاده می‌کرد. طرح بعدی گویندگی خبر بود؛ از

ویژگی‌های آموزگار ابتدایی از نگاه خانم زمانی

- با بچه‌ها مثل خودشان رفتار کنیم و تا حدودی خلق و خوی آن‌ها را داشته باشیم.
- خلاق، مهربان، صبور و باحوصله باشیم.
- روش‌های برقراری ارتباط با بچه‌ها را بدانیم و با آنان ارتباط عاطفی برقرار کنیم.
- به صبحانه خوردن بچه‌ها اهمیت بدهیم.
- مراقب رفتار دانش‌آموزانمان باشیم تا در صورت بروز مشکل بتوانیم سریع واکنش نشان دهیم.

یونسی آموزگار



علی اصغر مداحی

همه چیز از روزی شروع شد که آقا معلم وارد کلاس شد و مستقیم رفت پای تخته سیاه؛ تخته سیاهی که گوشه‌ی سمت راستش با خط خوشی نوشته شده بود بسم...! آقا معلم حساس بود. همیشه می‌گفت هر چیزی که با بسم... شروع نشود، ابر است. آقا معلم آدم‌شناس بود. خودش می‌گفت در عرض دو روز، تمام آدم‌های روستا را شناخته است؛ از کوچک تا بزرگ! و البته این را هم می‌گفت که معلم کارش این است؛ یعنی شناخت انسان‌ها! و وقتی نگاه‌های سرد و پر از سؤال ما را دید، فهمید هیچ کس معنی ابر را نفهمیده است. بنابراین خودش شروع کرد به تفسیر ابر. و خلاصه‌ی کلامش این بود که ابر یعنی ناقص. گفت تخته‌سیاهی که روی آن بسم... نوشته نشود، چیزی کم دارد! و بعد گریزی هم به خوردن و آشامیدن زد و گفت هر چیزی هم که بدون بسم... خورده شود، برکت ندارد و شیطان با آن شریک می‌شود!

و بعد، گچ شکسته‌ای را که نم کشیده بود، برداشت و با خط درشتی روی تخته نوشت: «می‌خواهید در آینده چه کاره شوید؟ و چرا؟» و بعد گفت ده دقیقه وقت دارید تا فکر کنید و جواب بدهید.

جواب بدهید را که می‌شنوم، دل‌شوره می‌گیرم. و از همه مهم‌تر، چرایش تمام بدنم را به لرزه در می‌آورد. همیشه از سؤالاتی که «چرا» داشتند بدم می‌آمد. چرا را اصلاً برای چه اختراع کرده‌اند؟! یعنی چه که چرا؟! مثلاً چرا شب سیاه است و روز روشن؟ خب سیاه است که سیاه است. چرا ندارد که! خدا خواسته این سیاه باشد و آن سفید! حالا چرا، برای چه، و چطور، به ما چه؟! ننه‌زهرها همیشه می‌گویند نباید در

کار خدا اما و اگر و چرا آورد. خدا قهرش می‌گیرد! البته او بیشتر این را در خصوص بچه‌هایش می‌گفت، وقتی که می‌پرسیدند چرا ۹ تا پسر داری و یک دختر؟!

قلبم تند می‌زند، طوری که احساس می‌کنم صدایش را همه‌ی کلاس می‌شنوند. دوست ندارم هیچ سؤالی را شفاهی جواب بدهم. این طوری زبانم می‌گیرد و خودم را گم می‌کنم. به تته‌پته می‌افتم. دوست دارم روی تکه کاغذی جوابش را می‌نوشتم؛ آن‌هم اگر اول صبحی مغزم کار می‌کرد.

ولی آقا معلم عاشق «جواب بدهید» است. درست مثل جلسه‌ی اولی که یکی یکی همه را پای تخته‌سیاه کشاند و گفت: «خودتان را معرفی کنید» و من با چه مصیبتی بلند شدم و رفتم و گفتم یونس باغبان، فرزند احیر.

کل کلاس به این حرف من خندیدند و آقا معلم آرام کنار گوشم گفت: احیر یا اکبر فرقی ندارد. و باز حرفش را تکرار کرد: «می‌خواهید در آینده چه کاره شوید؟ و چرا؟»

پیدا کردن شغل در سرمای زمهریر کلاس، که هنوز سهمیه‌ی نفتش را نداده بودند، کار سختی بود. حالا چه برسد به اینکه چرایش را هم باید می‌گفتی. هر چند آقا معلم گفته است که چراها همه نشان از بیداری مغزند، من تا حالا شاید در زندگی‌ام هیچ چرای ناداشته‌ام؟ چون احساس می‌کنم چراها بیهوده‌اند.

باید فکر می‌کردم و جوابی برای سؤال آقا معلم پیدا می‌کردم. برای همین چشمانم را می‌بندم و تمام قد داخل مغزم می‌شوم؛ مغزی که یخ زده و تمام وجودش را گرد و خاک گرفته است؛ طوری که به زور می‌توانم نفس بکشم. یکی دو بار «ها» می‌کنم تا بلکه موتور یخ‌زده‌اش روشن بشود و من بتوانم یک چیز به‌درد بخوری پیدا کنم و تحویل آقا معلم بدهم. هر چقدر زور می‌زنم، نمی‌شود.

مجبور می‌شوم تمام سوراخ سُمبه‌های مغزم

را خوب بگردم؛ کوچه به کوچه و دالان به دالان. این دومین بار است که داخل مغزم شده‌ام! تمام کوچه‌هایش در تاریکی محض فرو رفته‌اند. حالم نزدیک است از این همه سیاهی به هم بخورد. خسته می‌شوم، مغز آدمی توی کله‌ی به این کوچکی، چقدر تودرتو و پر پیچ و خم است!

گوشه‌ای می‌نشینم و زل می‌زنم به دیواره‌های مغزم. چرا مغز من باید این‌طور باشد؟ و اصلاً چرا این قدر سرد و تاریک است؟ پس کی قرار است من به این کوچه‌های تنگ و تاریک نور بکشم؟ یا برای همیشه باید مثل کوره دها‌ها این‌طور تنگ و تاریک بمانم؟

هراسان از جایم بلند می‌شوم. سرم به حفره‌های بالای مغزم اصابت می‌کند و چیز لزج ماندنی به موهای سرم می‌چسبد. خدای من، این من هستم که می‌پرسم چرا، برای چه؟! باورم نمی‌شود. برای اولین بار است این کلمات را ادا می‌کنم! یاد حرف آقا معلم می‌افتم: «چراها همه نشان از بیداری مغزند.» خوش‌حال می‌شوم. ناخودآگاه یاد حرف‌هایی می‌افتم که جلسه‌ی اول کلاس به ما زده بود: «هر کس وظیفه‌ای دارد. وظیفه‌ی آتش‌نشان خاموش کردن آتش است. وظیفه‌ی سیم‌بان وصل کردن سیم‌های برق است، و وظیفه‌ی آموزگار، دانایی و آگاهی‌بخشی است.» و من دوباره دانایی‌اش را نفهمیدم، و در کل کلاس شاید به جز یکی دو نفر، هیچ کس دانایی‌اش را نفهمید. و باز آقا معلم مثل همیشه حرفش را به زبان ساده‌تر برایمان ترجمه کرد: «کار معلم روشن کردن لامپ‌های توی مغز آدم‌هاست؛ لامپ‌هایی که سیم‌بانشان خداست و جز او کس دیگری نمی‌تواند این کار را بکند. در این بین، وظیفه‌ی معلم روشن کردن این لامپ‌هاست!» البته این را هم گفت که اگر سیم‌کشی‌اش را تا حالا خراب نکرده باشید! گفت: «بعضی مغزها لامپشان ۲۰۰ وات است، بعضی‌ها ۱۰۰ وات، بعضی‌ها ۶۰ وات و بعضی‌ها لامپشان اندازه‌ی نور کرم شب‌تاب است!» و من نمی‌دانستم که اندازه‌ی لامپ مغز من چقدر است.

آرام در تاریکی مغزم همین‌طور قدم می‌زنم تا چیزی پیدا کنم. هر ازگاهی صداهایی از دریچه‌ی گوشم داخل مغزم نفوذ می‌کنند و من توجهی نمی‌کنم.

وقت زیادی نداشتیم. هر طور بود باید یک چیزی ردیف می‌کردم. لحظه‌ای در آن دور دست‌ها، یعنی درست جایی که مغزم به مخچه‌ام چسبیده، چیزی شبیه روشنایی به چشمم می‌خورد. به سرعت خودم را به آن جا می‌رسانم. تمام چیزهایی که آقا معلم در این یکی دو جلسه برایمان گفته است، گوشه‌ای تلمبار شده‌اند. کم مانده که همه در زیر گرد و خاک گم بشوند. برای چه من تا حالا آن‌ها را ندیده‌ام؟ خدای من، این دومین بار است که من می‌پرسم برای چه؟! نور کم جانی، درست به اندازه‌ی کرم شب‌تاب، ولی لذت‌بخش، در حال تابیدن است؛ خیلی لذت‌بخش. درست مثل ستاره‌ای که از دور دست‌ها راه را به تو نشان می‌دهد! خودم را به نور می‌رسانم و در تماشای آن محو می‌شوم.

«برای چه و چرا با هم هم‌خانواده‌اند؟» این را از داخل خرت و پرت‌هایی که گوشه‌ی مغزم، همچون کرم شب‌تابی می‌درخشند، برمی‌دارم و توی دهانم می‌گذارم. انگار

چیزهای خوبی داخلشان هست که من از آن‌ها بی‌خبرم! دستم را دراز می‌کنم و از لای آن همه کلمه و جمله، به دنبال یک شغل خوب برای خودم می‌گردم. باغبان، دهیار، شورای ده، بهدار خانه‌ی بهداشت، نویسنده، معلم و ... ذوق‌زده می‌شوم. یعنی این همه شغل داخل مغز من وجود داشتند و من بی‌خبر بودم؟! این‌ها را چه کسی داخل مغز من گذاشته است؟! «یونس حواست کجاست؟ بعد از این، نوبت توست.»

صدای محمود دهقان است که از پرده‌ی گوشم عبور کرده و خودش را به داخل مغزم رسانده است. شوق تمام وجودم را گرفته و می‌خواهم تمام مسیری را که آمده‌ام، به سرعت برگردم. قبل از اینکه نوبت من برسد، باید خودم را به کلاس برسانم. انگشتان دستم روشن شده‌اند؛ درست مثل وقتی که فانوس دستم می‌گیرم. کوچه‌های پیچ‌درپیچ مغزم را به سرعت طی می‌کنم. حالا همه جا روشن شده است؛ درست مثل وقتی که ماه وسط

آسمان می‌درخشد. چقدر لذت‌بخش است با نور قدم‌زدن. احساس می‌کنم با هر چرایی که گفتم، یک لامپ درون مغزم روشن شده است.

نفس عمیقی می‌کشم و چشمانم را باز می‌کنم. همه‌ی نگاه‌ها به سمت من خیره شده‌اند. آقا معلم مثل نوری وسط کلاس ایستاده است و من را تماشا می‌کند. چقدر نورانی است! شرط می‌بندم تمام لامپ‌های مغزش روشن شده‌اند. با صدای بلند می‌گویم: «معلم! می‌خواهم معلم بشوم؛ چون نور دارد و همه جا را نورانی می‌کند.»

xxx

آرام از صندلی‌ام بلند می‌شوم و کنار تخته‌سیاه می‌ایستم و می‌گویم. و حالا بیست سال از آن روز گذشته، و من معلم شده‌ام؛ معلمی که تمام مغزش را چرا و برای چه‌ها پر کرده‌اند! و حالا شما برایم بگویید که: «می‌خواهید در آینده چه کاره شوید؟ و چرا؟»



از کجا می‌دونی؟



سید غلامرضا فلسفی

ارتباط پژوه

«آیا منابعی که خبرنگار در خبر از آن‌ها نام برده است، از اعتبار کافی برخوردارند؟» این چهارمین پرسش کلیدی سواد خبری است.

به‌راستی، اخباری که در طول شبانه‌روز دریافت می‌کنیم، تا چه حد اعتبار دارند و تا چه میزان می‌توان آن‌ها را در مقام اخبار واقعی پذیرفت؟ این پرسشی است که همواره در ذهن وجود دارد. بر مبنای این پرسش، آنچه را کاربر در مطبوعات و وبگاه‌های خبری می‌خواند، یا در تلویزیون و وبگاه‌های شبکه‌های اجتماعی می‌بیند، به‌شرطی می‌پذیرد که به منبع خبر اعتماد کند.

همواره باید برای شناخت منبع خبر تلاش کرد؛ زیرا آگاهی از منبع خبر یکی از راه‌هایی است که از طریق آن می‌توان در قبال درستی خبر قضاوت و نسبت به پذیرش یا رد آن اقدام کرد. همان‌طور که خبر بدون منبع ارزش و اعتبار ندارد و در قانع کردن کاربر درمی‌ماند، منبع سست و بی‌پایه نیز به اعتبار خبرنگار و رسانه لطمه می‌زند. در سال‌های اخیر که گسترش رسانه‌های اجتماعی به افزایش انتشار خبرهای جعلی و اطلاعات نادرست انجامیده است، شهروندان با وسواسی بیشتر در پی کسب خبرهای واقعی برمی‌آیند و اعتبار منبع برای آنان اهمیتی مضاعف پیدا کرده است. در تمامی خبرها، منبع خبر به‌طور معمول در ابتدای خبر ذکر می‌شود؛ هرچند که هر رسانه، بر اساس روش و شیوه‌ای خاص، به منبع خبر اشاره می‌کند. به‌هنگام بررسی منبع خبر همواره به یاد داشته باشیم:

❖ **خبری که چند منبع دارد، نسبت به خبر تک‌منبع اولویت دارد.**

❖ **خبر نقل‌شده از منبع اصلی^۱ به خبر نقل‌شده از منابع دیگر اولویت دارد.**

❖ **خبری که منبع آن نام و نشان دارد، نسبت به خبر با منبعی بدون نام و ناشناس (مقام آگاه) اولویت دارد.**

■ خبر زیر را مطالعه کنید و به پرسش‌ها پاسخ دهید:

رادیوفرهنگ

تاریخ انتشار: ۹۹/۳/۲۰

ساعت: ۰۸:۱۲

باید از کتاب درسی محوری به سمت بستنی یادگیری حرکت کنیم!

به گزارش روابط عمومی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، نشست خبری حسن ملکی، معاون وزیر و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی با اصحاب رسانه، در روز دوشنبه ۱۹ خردادماه در سالن جلسات طبقه هفتم این سازمان برگزار شد. ملکی در اولین نشست خبری‌اش، ضمن خوشامدگویی به اصحاب رسانه، به تبیین اهم برنامه‌های این سازمان پرداخت و اظهار کرد: اگر بخواهیم این سازمان را در یک جمله تعریف کنیم، همان عبارت رهبر معظم انقلاب بهترین بیان است که فرمودند «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی قلب آموزش و پرورش است.» او افزود: این بیان ایشان برای معرفی سازمان، تعریفی رسا و حکیمانه است، زیرا تولیدات سازمان شامل برنامه‌های درسی، مواد آموزشی و رسانه‌های یادگیری، محور همه فعالیت‌ها در وزارت آموزش و پرورش است. تربیت معلم و ساخت فضای آموزشی برای اجرای خوب همین برنامه‌های درسی است. اقتصاد و بودجه‌ریزی در نظام مالی برای این منظور است که یادگیری در مدرسه‌ها به درستی اتفاق بیفتد. اگر این قلب به درستی کار کند، بقیه‌ی بخش‌های آموزش و پرورش هم به خوبی کار خواهند کرد.

ملکی درباره‌ی گنجاندن معارف انقلاب اسلامی در کتاب‌های درسی نیز گفت: «از سال تحصیلی آینده (مهرماه) معارف انقلاب اسلامی ایران به کتاب‌های درسی ورود پیدا می‌کنند. درج این مطالب در کتاب‌ها کار آسانی نبود، اما کارشناسان ما با مشورت‌های علمی و کار کارشناسی توانستند این مطالب را در ۱۲ عنوان کتاب درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش و ۱۵ عنوان کتاب دوره‌ی نظری بگنجانند...»

آیندپژ

پهمن‌ماه
دوره‌ی بیست و نهم
شماره‌ی ۵ | ۱۴۰۰

۳۶

• آیا در خبر منبع یا منابع ذکر شده‌اند؟ آیا منبع یا منابع دارای پیوند هستند؟ آیا پیوندها خبر را پشتیبانی یا تأیید می‌کنند؟
• آیا اخباری را می‌توانید بیابید که خبر فوق را بی‌اعتبار یا رد کند یا دیدگاهی متفاوت از آنچه در این خبر آمده، ارائه کند؟
• آیا اخبار دیگر این پایگاه اطلاع‌رسانی یا خبرگزاری بلورپذیرند؟
- به تارنماهای زیر بروید:
whois²، samandehi³ و shamad⁴
حال مشخصات صاحب منبع یا منابع را بیابید.

• خبر در جاهایی دیگری منتشر شده است؟
• از ارزیابی منابع خبر به چه نتیجه‌ای رسیدید؟ سعی کنید با توجه به موضوع برای بررسی صحت خبر، ابتدا سراغ بررسی وبگاه‌های مرجع در هر حوزه بروید. با عنایت به مثال مطرح‌شده، خوب است از این پس به موارد زیر بیشتر دقت کنیم:

• داشتن یا نداشتن منبع خبر را بررسی کنیم.

• از موثق بودن منبع خبر مطمئن شویم.
• رابطه‌ی رسانه و منبع استنادشده را واکاوی کنیم.

اکنون به این پرسش‌ها پاسخ دهید:
• در روز، به‌طور میانگین، چند مطلب (متن نوشتاری، ویدئو، عکس و صوت) را در فضای دیجیتال باز می‌کنید؟

• در روز چند مطلب را، به‌طور میانگین، در فضای دیجیتال به اشتراک می‌گذارید؟

• چند وقت یک‌بار درست‌بودن مطلبی را که به اشتراک گذاشته‌اید یا درباره‌ی آن نظر داده‌اید، کنترل می‌کنید؟

• واقعی و جعلی‌بودن خبر یا درست و نادرست‌بودن اطلاعاتی که به اشتراک می‌گذارید، چقدر برایتان اهمیت دارد؟ چرا؟

• به‌طور میانگین چند درصد از خبرهایی که تاکنون به اشتراک گذاشته‌اید، منبع داشته‌اند؟

• ذکر منبع را در خبرهایی که به اشتراک می‌گذارید، چقدر ضروری می‌دانید؟ چرا؟

• چند بار پیش آمده است که به منبع خبر شک کنید؟

• به‌طور معمول به کدام منابع خبری بیشتر اطمینان دارید؟ چرا؟



به سوی آرامش

چند راهکار ساده برای رفع تشویش دانش‌آموزان پس از کرونا

فوت و فن



سعیده نادرپور

۱. به دانش‌آموزان پروبال دهید؛ از

آن‌ها حمایت و به حرف‌هایشان گوش کنید.

اتفاق‌های اخیر شاید برخی از دانش‌آموزان را با غم از دست‌دادن عزیزی مواجه کرده باشد. آموزگار باید، با توجه به این موضوع، رفتاری متناسب با روحیه دانش‌آموزان داشته باشد و در برخورد با داغ‌دیده‌ها بیشترین احتیاط را به خرج دهد. مثلاً زمان خاصی را برای نشستن پای درددل‌ها و احساسات ابرازنشده دانش‌آموزانی در نظر بگیرد که از لحاظ روحی یا خانوادگی وضعیت خوبی ندارند.

برخی دانش‌آموزان ممکن است به‌علت فروخوردگی عواطفشان، در مدت طولانی کرونا، به این رویه عادت کرده باشند و از صحبت با شما خودداری کنند. در چنین وضعیتی بهتر است از آن‌ها بخواهید هر زمان که مایل‌اند، هر آنچه باعث ناراحتی، نگرانی و ناامیدی‌شان شده است، روی کاغذ بنویسند و به شما تحویل دهند. این کار هم باعث تخلیه روانی آنان می‌شود و هم اینکه آگاهی شما از وضعیتشان راهکارهایی را برای مقابله با احساسات منفی آنان فراهم می‌کند.

ممکن است برخی دیگر از دانش‌آموزان نیز در حال تجربه احساساتی مانند نگرانی، ناامیدی و خشم باشند. خوگرفتن به خانه و فضای مجازی باعث شده است آن‌ها به کارهای فعالیتی و انرژی‌بر به‌سختی تن دهند، بخواهند در نقطه‌ای آرامش و راحتی خود باقی بمانند و عاملی که بخواهد این نقطه‌ای امن را از آن‌ها بگیرد، پس بزنند. بنابراین، در آغاز بازگشایی مدرسه‌ها، بسیار اهمیت دارد که آنان را درک کنیم و اجازه دهیم روند بیرون آمدن از فضای مجازی به فضای حقیقی و فعال، برای آن‌ها هضم شود. برای مثال دیررسیدن سر کلاس یا خواب‌آلودگی، پس از مدت‌ها غیرحضور بودن تحصیل، بسیار طبیعی است و می‌تواند نادیده گرفته شود.

«سلامت روان» با پیشرفت تحصیلی ارتباط مستقیمی دارد و بچه‌هایی که به‌نحوی از مشکل روانی رنج می‌برند، با افت تحصیلی مواجه می‌شوند. اکنون وقت آن است که دانش‌آموزان را کمک کنیم به‌تدریج با جهان پس از کرونا هماهنگ شوند و ترس‌هایشان برطرف شود؛ چراکه به احتمال زیاد، جهان پس از کرونا با قبل از آن تفاوت‌های بسیاری خواهد داشت. دفتر مجله از تجربه‌های موردی شما در این زمینه و نقد و بررسی این موضوع استقبال می‌کند.



آیندازی

پنجمین ماه

دوره بیست و پنجم
شماره ۵ | ۱۴۰۰

۳۸

۲

دانش‌آموزان را به‌خاطر شجاعتشان تحسین کنید.

هنگامی که دانش‌آموزان به مدرسه باز می‌گردند، شجاعت آن‌ها را در رویارویی با ترس تحسین کنید. هنگامی که دانش‌آموز ببیند توانسته است از زیر بار امواج خبرها و اتفاق‌های منفی بیرون بیاید، توانایی رویارویی با ناملایمت‌های دیگر نیز برایش قطعی و آسان می‌شود. بگذارید دانش‌آموزان بدانند شجاع بودن به آن‌ها و شما کمک می‌کند به اتفاق هم از این بحران عبور کنید. زمانی که شما شجاعت دانش‌آموزانتان را تحسین می‌کنید، اعتماد به نفسشان بیشتر می‌شود.

۳

به‌جای اطمینان خاطر ساختگی، صداقت داشته باشید و حمایت کنید.

اکثر دانش‌آموزان دچار استرس نیاز دارند از شخصی این اطمینان را دریافت کنند که بازگشت به مدرسه اتفاق بسیار خوبی است. اما جمله‌های اطمینان‌بخش و تکراری مثل «همه چیز درست می‌شود» و «جای نگرانی نیست»، بیشتر ترس برانگیز، شک برانگیز و سلب اطمینان‌کننده‌اند و نیاز به دلگرمی گرفتن از طرف دیگران را در دانش‌آموزان بیشتر می‌کند. این چرخه منجر به حالتی می‌شود که از آن تحت‌عنوان «به‌دنبال دلگرمی مفرط گشتن» یاد می‌شود. (کودک مدام می‌پرسد که آیا همه چیز خوب است؟) در عوض، شفاف و صادق بودن آموزگار و حمایت‌گری‌اش بهترین راهکار است. بدین معنا که به اهمیت خطرها اذعان و بر کاهش خطرها به‌وسیله اقدامات احتیاطی تأکید کند. این گونه دانش‌آموزان نسبت به بازگشت به مدرسه حس بهتری خواهند داشت.

آموزگار همچنین می‌تواند با شناساندن و تحلیل مشکل، دانش‌آموزان را در انتخاب و استفاده از راه حل توانمند سازد. به‌عنوان مثال، سعی نکنید بر اخبار روزانه در مورد کرونا سرپوش بگذارید یا آن‌ها را طور دیگری جلوه دهید. وضعیت را به همان صورت که هست شرح دهید و در پی پنهان کردن آن نباشید.

۴

الگوی رفتارهای سازگارانه‌ی مناسب برای دانش‌آموزان باشید.

دانش‌آموزان برای عبور از بحران بازگشت به مدرسه، به آموزگار خود به‌عنوان الگوی رفتاری مثبت می‌نگرند. اینکه شما چطور ترس‌ها و تشویش‌های خود را مدیریت می‌کنید و چه رفتاری از خود بروز می‌دهید، بر درک دانش‌آموزان از اوضاع و واکنش آن‌ها تأثیر می‌گذارد. درمیان‌گذشتن تجربه‌ای‌تان از نگرانی و اضطراب با دانش‌آموزان و نیز بیان تجربه‌ها و راهکارهایی که برای مقابله با آن‌ها داشته‌اید، از حس تنهایی آن‌ها می‌کاهد و برای آن‌ها راهنمایی می‌شود تا خودشان اوضاع را مدیریت کنند. کمک به دانش‌آموزان در پرورش قابلیت «راحتی در ناراحتی» می‌تواند آن‌ها را در عبور از تشویش‌های آینده کمک کند. برای مثال، معلم می‌تواند برای دانش‌آموزان توضیح دهد اضطراب و نگرانی، به‌طور معمول، ناشی از ترس از آینده است، در حالی که کسی از آینده خبر ندارد و چه بسا آینده بسیار امیدوارکننده‌تر از اکنون باشد. ظهور حس امیدواری در آموزگار، دانش‌آموزان را به‌سمت پویایی و سرزندگی و داشتن سلامت روان سوق می‌دهد.

۵

دانش‌آموزان را به‌تدریج با آموزش تلفیقی آشنا کنید.

اکنون که پس از تحمل پستی‌ها و بلندی‌های مسیر آموزش مجازی، همه‌ی دانش‌آموزان تقریباً به آن عادت کرده‌اند، مسئله‌ی جدید، بیرون آوردن آنان از محیط مجازی به فضای واقعی است. برخی دانش‌آموزان ممکن است در اوایل بازگشایی مدرسه، آموزش تلفیقی را پس بزنند، دچار استرس و نبود تمرکز شوند و در رفتارهای خود یا ارائه‌ی تکالیفشان سردرگمی داشته باشند، اما باید در نظر گرفت که این راهکار آموزشی نیز مانند سایر راهکارها، برای جابفتن به زمان نیاز دارد. بنابراین، فرصت‌دادن به دانش‌آموزان برای گذر از یادگیری سنتی صرف یا یادگیری مجازی صرف و هماهنگی خود با این نوع آموزش، نگرانی، دل‌سردی، یا بی‌انگیزگی آن‌ها را از بین می‌برد.



۶

از راهکارهای تدریجی استفاده کنید، نه راهکارهایی برای فرار از مشکل.

میزان استرس یا دل‌سردی دانش‌آموزان برای بازگشت به مدرسه، خودبه‌خود تغییر نمی‌کند. بنابراین، کمک به آن‌ها برای پذیرش ترس و نگرانی، به‌جای فرار از این احساسات، ضروری است. باید از دانش‌آموزان مشوش یا ناامید بخواهیم همواره در مورد علت و منشأ اصلی استرس و احساسات آزاددهنده‌ی خود فکر کنند. از این طریق با موضوع ناراحت‌کننده کنار بیایند و آن را برای خود هضم کنند. گاهی دانش‌آموز در روبه‌رو شدن با ترس متوجه می‌شود اصلاً دلیلی برای نگرانی نیست و ترس او بی‌جهت است یا موضوعی که او را نگران کرده است، راه‌گیزی دارد و باز هم ترس او بی‌مورد است.

سخن پایانی

ظرفیت ما برای حمایت از دیگران به سلامت جسمانی و روانی ما وابسته است. آموزگاران باید تا آنجا که می‌توانند، در این دوران، مراقب سلامت خود باشند. مهم‌تر از همه آن است که به عواطف خود مانند عواطف دیگران اهمیت بدهند و از طریق حفظ زندگی سالم (داشتن خواب کافی، ورزش کردن و داشتن تغذیه‌ی مناسب) و مراقبت از روان خویش، از راه ارتباط با شبکه‌های حرفه‌ای روان‌شناسی، جسم و روح خود را تقویت کنند.

آموزشی

پهن‌ماه

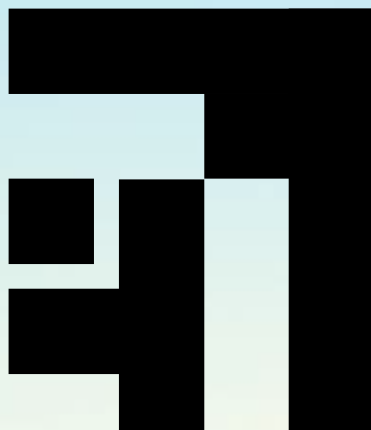
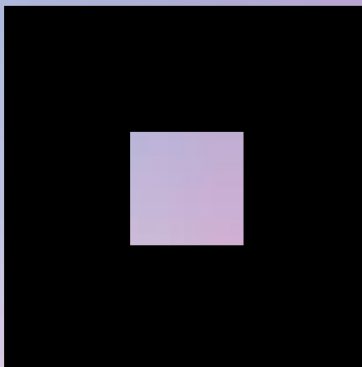
دوره‌ی بیست و پنجم
شماره‌ی ۵ | ۱۴۰۰

۳۹



عاطفه فرهادی
کارشناس ارشد ادبیات

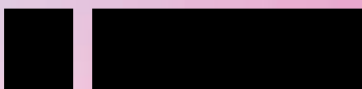
امسال همراه کتاب‌های درسی، مهمان ویژه‌ای به دیدار معلمان و دانش‌آموزان آمده است. اگر با کمی دقت به صفحات کتاب درسی نگاه کنید، آن را می‌بینید؛ علامتی که به آن «رمزینه‌ی پاسخ سریع» یا «کیو آر کد» می‌گویند. این مهمان گرمی در عصر فناوری آمده است تا شما را در یاددهی و یادگیری درس‌ها کمک کند. اگر با شبکه‌ی ملی مدارس ایران (رشد) آشنایی داشته باشید، یا هم اکنون به این وبگاه سری بزنید، هزاران محتوای آموزشی می‌بینید که مطابق با کتاب‌های درسی یا در راستای تکمیل مطالب درسی‌اند و از حالا به بعد، قرار است این مطالب توسط رمزینه‌های موجود در کتاب‌ها در اختیار شما قرار بگیرند.



از تبلیغات کم برای اتفاقی مهم تا کشفیات یک معلم

مدت زیادی است که گروه‌های متعددی، برای سروسامان گرفتن پروژه‌ی رمزینه‌ی پاسخ سریع، در کتاب‌های درسی تلاش می‌کنند، اما متأسفانه اطلاع‌رسانی، درباره‌ی این موضوع، ضعیف و توأم با مشکلاتی بوده است؛ مثلاً چند روز پیش از معلمی شنیدیم که می‌گفت: «ما درباره‌ی رمزینه‌ها چیزی نمی‌دانستیم، یکی از همکارانمان در گروه اعلام کرد که در کتاب‌های درسی با پدیده‌ی جدیدی روبه‌رو شده است. او درباره‌ی این رمزینه‌ها صحبت و از نحوه‌ی عملکرد آن‌ها فیلمی تهیه کرد و در گروه به اشتراک گذاشت.»

این یعنی مسئولان این پروژه توضیح دقیق و کاملی ارائه نکرده‌اند و معلمان هنوز از وجود این رمزینه‌ها بی‌خبرند و احتمالاً باید منتظر باشیم، ویدئوی این خانم معلم در گروه‌های دیگر هم دست‌به‌دست شود تا همه از وجود این پروژه‌ی جذاب و کاربردی با خبر شوند. آگاهی‌رسانی به والدین و دانش‌آموزان هم بحث جداگانه‌ای است که باید به آن پرداخته شود.

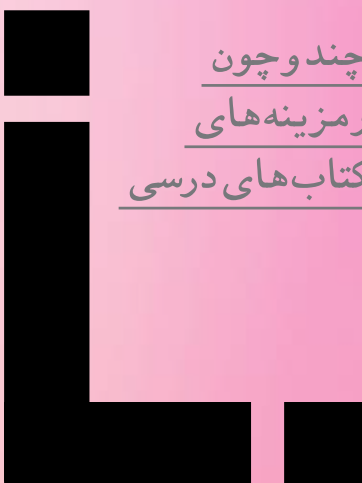


نقشه‌های گنج

چند و چون

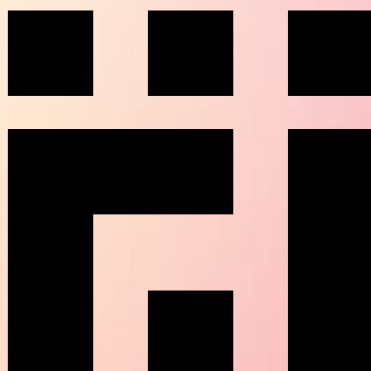
رمزینه‌های

کتاب‌های درسی



رمزینه‌ها چقدر مفیدند؟

داشتم به کودکی‌هایم فکر می‌کردم؛ زمانی که دانش‌آموز بودم و به هزار دلیل کسی به من دیکته نمی‌گفت و خودم این کار را انجام می‌دادم. من خوب می‌دانم که همه‌ی لذت املا نوشتن در این است که کسی به شما دیکته بگوید! فناوری آن روزها هم برای رفع این نیاز کارگشا نبود، اما امروزه به‌مدد پیشرفت فناوری، خیلی از این مسائل حل‌شدنی می‌نمایند. شاید یکی از کاربردهای مهم رمزینه‌ها در اینجا به چشم بیاید. ممکن است شما هم نتوانید به هر دلیلی به دانش‌آموزتان املا بگویید. فایل‌های صوتی کتاب فارسی، از اول ابتدایی تا پایان دوره‌ی دوم متوسطه، در شبکه‌ی ملی رشد موجود و توسط رمزینه‌ها در دسترس هستند. پس برای دریافت فایل صوتی هر درس، رمزینه (کیو آر کد) آن درس را با گوشی همراه یا رایانک (تبلت) اسکن کنید و بعد از دریافت فایل موردنظر، آن را برای دانش‌آموزان یا فرزندان‌تان پخش کنید. به این ترتیب، بچه‌ها می‌توانند هم املا بنویسند و هم مهارت‌های شنیداری و روخوانی‌شان را تقویت کنند.



آپدیتی

پنجمین ماه
دوره‌ی بیست و نهم
شماره‌ی ۵ | ۱۴۰۰

۴۰

فرزندان نورسیده‌ی کتاب‌های درسی

این روزها یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که در این خصوص به چشم می‌خورد، بی‌خبری معلمان، والدین و حتی دانش‌آموزان از وجود رمزینه‌هاست؛ در حالی که آن‌ها می‌توانند از طریق جلد یا توضیحات مندرج در مقدمه‌ی کتاب، نسبت به این فناوری آگاهی یابند. شاید بهتر بود متولیان این دستاورد مهم ابتدا مقدمه‌ی کار را آماده می‌کردند و بعد از رمزینه‌ها رونمایی می‌شد. به‌طور قطع، در آینده‌ی نزدیک این مهم نیز برطرف خواهد شد. اکنون زمان آن است که ما بیش از قبل حواسمان به این فرزند نورسیده باشد و اگر در خصوص آن نظر، پیشنهاد یا انتقادی داشتیم، با مسئولان مربوط در میان بگذاریم؛ همراهی ما آموزگاران، به‌عنوان کاربران مستقیم رمزینه‌ها، در راستای بهبودبخشیدن به محتوایی که با رمزینه‌ها پوشش داده شده‌اند، بسیار مهم و تأثیرگذار است.

از رمزینه‌ها چگونه استفاده کنیم؟

بیاید با هم یکی از کتاب‌های درسی را ورق بزنیم و وارد فصلی از آن شویم. در بالای صفحه علامت رمزینه دیده می‌شود. حالا باید دوربین موبایل یا تبلت خود را روی این شکل بگیرید و آن را اسکن کنید. پیغامی دریافت می‌کنید که از شما می‌پرسد: «آیا مایل هستید به صفحه‌ی موردنظر هدایت شوید؟» وقتی شما پاسخ مثبت بدهید، صفحه‌ای باز می‌شود که متن‌ها، ویدئوها و تصویرهای مربوط به همان درس در آنجا قرار دارند و شما می‌توانید این اطلاعات را بارگیری کنید، یا در همان‌جا به‌صورت برخط (آنلاین) از آن‌ها استفاده کنید. شاید هم لازم باشد نرم‌افزار «خوانش رمزینه‌های پاسخ‌سریع» را روی گوشی خود نصب کنید تا بتوانید محتوای درون این رمزینه‌ها را ببینید. البته شبکه‌ی ملی رشد نرم‌افزار اختصاصی خوانش رمزینه‌های پاسخ‌سریع را در اختیار شما قرار داده است تا با سرعت و امنیت بیشتری از این رمزینه‌ها استفاده کنید. در شماره‌ی سوم همین مجله درباره‌ی آن صحبت کردیم.

محتوای مناسب برای زمان کم

دنیای اینترنت دنیایی وسیع و پر از اطلاعات است. یکی از بدی‌های این فضا قرار گرفتن محتوای خوب و بد در کنار یکدیگر است. پس این فضا ممکن است، به‌خصوص برای دانش‌آموز، خطرات و مشکلات گوناگونی ایجاد کند. یکی از کارکردها یا فایده‌های رمزینه‌ها در این است که بدون جست‌وجوی زیاد در اینترنت، دست شما را در دست محتوای مناسب و منطبق با کتاب درسی می‌گذارد؛ چون این محتواها را کارشناسان تأیید کرده‌اند. پس بدون نگرانی برای تکمیل آموزش از آن‌ها استفاده کنید.

این داستان ادامه دارد...

کم‌وکاستی‌های موجود در این پروژه برای هیچ‌یک از همکاران و مسئولان ذی‌ربط پوشیده نیست و این عزیزان همواره در تلاش‌اند تا این پروژه‌ی بزرگ را تکمیل و موانع و کاستی‌ها را برطرف کنند. در آینده‌ی نزدیک، به‌طور قطع، همه بیش‌ازپیش با این دوست جدید آشنا خواهید شد و از آن برای تکمیل آموزش و یادگیری استفاده خواهید کرد. ما آماده هستیم تا تجربه‌های شما را در خصوص استفاده از رمزینه‌ها منعکس کنیم.

آموزشی

هفتم‌ماه

دوره‌ی بیست و پنجم
شماره‌ی ۵ | ۱۴۰۰

۴۱



آموزگاران چه می گویند



مریم شهرآبادی
کارشناس آموزش ابتدایی

با اینکه چندماهی از رمزینهدارشدن کتاب‌های درسی می‌گذرد، هنوز هم بسیاری از آموزگاران و دانش‌آموزان با از وجود چنین امکانی مطلع نیستند، یا به نظرشان این رمزیندها به اصلاح و بازبینی نیاز دارند، و یا به دلایل دیگر از آن‌ها استفاده نمی‌کنند.

در طول این مدت، گروهی از دانشجویان دانشگاه فرهنگیان و تعدادی از آموزگاران همراه مجله با ما تماس گرفته‌اند و انتقادهای و پیشنهادهایی در این باره داشته‌اند، از جمله اینکه مخاطبان را از وجود این رمزیندها در کتاب‌های درسی مطلع کنیم. در مقاله قبلی به این موضوع پرداختیم. حال نظرات آموزگاران را در این باره می‌آوریم. اگر شما هم سخنی یا نکته‌ای درباره‌ی کتاب درسی و دوره‌ی ابتدایی دارید، با این نشانی با ما مرتبط شوید:

ebtedayi@roshdmag.ir

شماره تلفن دفتر مجله را هم یادآوری می‌کنیم: ۰۲۱-۸۸۸۳۹۱۷۸

آموزشی

پهمن ماه
دوره‌ی بیست و نهم
شماره‌ی ۵ | ۱۴۰۰

۴۲

فرخ شیخ‌بابایی؛ آموزگار

پایه‌ی دوم ابتدایی؛ تهران

بعضی از دانش‌آموزان و اولیا از کاربرد این روش اطلاع ندارند. پیشنهاد من این است که قبل از انجام این کار، تبلیغی برای استفاده از آن انجام شود. البته ضعیف‌بودن اینترنت در کاهش استفاده از آن مؤثر است.

سعیده کریمی؛ آموزگار

پایه‌ی چهارم ابتدایی؛ تهران

با توجه به سطح توقع خانواده‌ها، اگر معلم فیلم‌های موجود در آن فضا را استفاده کند و یا آن‌ها را در گروه کلاسی خود قرار دهد، به حساب کم‌کاری او گذاشته می‌شود. بنابراین من از محتواهای خودم استفاده می‌کنم. از دید من رمزیندهای پاسخ‌سریع در زمان آموزش حضوری کاربردی‌ترند تا دانش‌آموزان در منزل از آن‌ها استفاده کنند.

سهیلا طاهری؛ سرگروه

آموزشی؛ ایلام

در تابستان که دوره‌ی آموزشی کشوری داشتیم، اداره رمزیندهای پاسخ‌سریع را به ما معرفی کرد. راستش دانش‌آموزان به دیدن کلیپ‌ها علاقه نشان نمی‌دهند، زیرا از آموزش مجازی خسته شده‌اند. گاهی به کلیپی که خودم در گروه کلاس می‌گذارم و از آن پرسش و پاسخ داریم هم توجه ندارند! شاید هم به دلیل ضعف اینترنت و قطع و وصل مدام آن است.

لیلا صمدی؛ آموزگار

پایه‌ی دوم ابتدایی؛ تهران

در کل کار ارزشمندی است و باید آن را به فال نیک گرفت، اما زمانی کاربردی است که برای هر درس و هر میحت درسی، رمزیندهای پاسخ‌سریع مربوط به همان درس موجود باشد. بهتر است تنوعی از محتواها داشته باشیم؛ بازی، فیلم و پادکست. مثلاً در درس قرآن که شامل روخوانی، پیام قرآنی، تصویرخوانی، داستان‌سازی و لوحه‌های بخش‌خوانی است، تنها قرائت سوره‌ها توسط دو قاری گذاشته شده است. رمزیندهای پاسخ‌سریع بیشتر مناسب دانش‌آموزانی هستند که معلمان آن‌ها امکان تولید محتوا ندارند. آن معلم برای توضیح بیشتر می‌تواند دانش‌آموزان را به توجه به رمزیندها تشویق کند.

فاطمه‌السادات حسینی؛

آموزگار پایه‌ی سوم ابتدایی؛ تهران

من با این رمزیندها کاملاً آشنا هستم. خوشبختانه در برنامه‌ی شاد، هم به دانش‌آموزان و هم آموزگاران، درباره‌ی آن‌ها اطلاع‌رسانی شده است. البته دانش‌آموزان خیلی از آموزگاران جلوتر هستند و گاهی برای خیلی از درس‌ها آن‌ها به ما آدرس می‌دهند که کجا فیلم و پادکست ببینیم. یک پیشنهاد دارم. بهتر است در فضای شاد امکانی وجود داشته باشد تا بتوانیم فیلم‌های آموزشی را در فضاهای دیگر به اشتراک بگذاریم.



← زهره گلزار؛ آموزگار پایه‌ی چهارم ابتدایی؛ قم

تولید محتوای جدید با رویکرد نوین و جذاب در کنار متن درسی، به درک عمیق‌تر موضوع درسی کمک می‌کند. در تعامل با همکاران متوجه شدیم کتاب‌های اصلی پایه‌ی چهارم، مثل ریاضی و فارسی، این قابلیت مهم را ندارند. مهم‌تر اینکه فیلم مربوط به بحث کلی فصل نگاهی اجمالی دارد. بنابراین، نکات مهم درسی باقی خواهند ماند. رمزینه‌های کتاب‌های قرآن هم فقط روخوانی درس‌ها نباشند و قاعده‌ها و قوانین گفته شوند. در واقع رمزینه باید قابلیت یک معلم مرجع و کامل را در بر بگیرد.

← ناهید امینی؛

آموزگار ابتدایی؛ البرز

معلمان به‌ندرت آن‌ها را دیده‌اند و به کار می‌برند. بهتر است از صدا و سیما اطلاع‌رسانی شود. گاهی همکاران و دانش‌آموزان از رمزینه‌ها توقع حل تمرین‌های کتاب را دارند و وقتی متوجه می‌شوند فقط توضیح درس است، حاضر به استفاده نمی‌شوند.

← آرزیتاسادات طباطبایی؛ آموزگار پایه‌ی چهارم ابتدایی؛ دماوند

من از اخبار صدا و سیما از وجود این نرم‌افزار باخبر شدم، ولی از آن استفاده نکردم. یک روز که برای درس علوم به دنبال فیلم آموزشی بودم، چند تا از آن‌ها را برای دانش‌آموزانم در گروه قرار دادم. حتی به پسرآموزش دادم در مواردی که به اشکال درسی بر می‌خورد، از این رمزینه‌های پاسخ‌سریع کمک بگیرد.

← مریم سرلکیان؛ آموزگار پایه‌ی دوم ابتدایی؛ اصفهان

این کار موفقیت بزرگی در ارائه خدمات به دانش‌آموزان است؛ به‌خصوص آن‌هایی که معلمشان در فضای شاد کارایی لازم را ندارد. تعداد محدودی از رمزینه‌ها هم نمایش داده نمی‌شوند و در بعضی موارد، روش‌ها تا حدودی با روش معلم تفاوت دارند.

← اقدس سادات عطارد؛ آموزگار ابتدایی؛ شهری

وجود این کدها از اتلاف وقت جلوگیری می‌کند. همچنین، می‌تواند به‌عنوان پیش‌مطالعه استفاده شود. اگر دانش‌آموزی به هر دلیل نتواند از کلاس مجازی استفاده کند، می‌تواند از آموزش این کلیپ‌ها بهره‌برد. متأسفانه اطلاعات فصل‌های آخر کتاب بارگذاری نشده‌اند و در دسترس نیستند.

← لیلا فتحی؛ آموزگار

پایه‌ی سوم ابتدایی؛ تهران

من آشنا هستم، اما بسیاری از جمعیت گروه هدف از وجود آن‌ها خبر ندارند. دیگر اینکه، محتواها به تکمیل و کیفیت‌بخشی بیشتر نیاز دارند. در برخی موارد رمزینه خالی است و محتوای آموزشی مربوط به آن بارگذاری نشده است.

← شهین صامتی‌زاده؛ آموزگار پایه‌ی اول ابتدایی؛ شهری

از ابتدای سال متوجه رمزینه‌ها شدم، ولی فقط در کتاب‌های علوم و قرآن وجود دارند و در همه‌ی کتاب‌ها نیستند. در پایه‌ی پنجم، به جز فارسی، در همه‌ی کتاب‌ها وجود دارند. بیشتر والدین از آن‌ها بی‌اطلاع هستند. البته حجم فیلم‌ها هم بالاست و در برخی گوشی‌ها امکان ذخیره‌شان نیست.

گاه‌آزمایش

احمد رضا اعرابی
دبیر فیزیک



۴. چرا با بارش باران و وزش باد هوا تمیز می‌شود؟

۵. چند روش را نام ببرید که با رعایت آن‌ها می‌توان در مصرف آب صرفه‌جویی کرد. در فصل‌های سوم و چهارم، موضوع کتاب درباره‌ی گردش زمین دور خود و تولید شب و روز، چرخش دور خورشید و تولید فصل‌ها، و تغییرات دمایی هر فصل است. در نتیجه به نظر می‌رسد، با سؤال‌های زیر می‌توان فرایند آموزش را در کودک سنجید.

۶. در شکل زیر، مشخص کنید کدام قسمت زمین شب و کدام قسمت آن روز است؟ در کدام قسمت، خورشید در حال طلوع و در کدام قسمت، در حال غروب است؟



۷. در تصویر زیر مشخص کنید در چه نقاطی دما بیشتر و در چه نقاطی دما کمتر است؟



۸. فرض کنید از خواب بیدار شوید و دیگر خورشیدی در آسمان نباشد. خوب فکر کنید چه اتفاق‌هایی روی زمین رخ می‌دهند؟

علوم دوم ابتدایی مملو از آزمایش‌های مهیج و جالبی است که هر کدام می‌توانند دانش‌آموز را به وجد آورند، این هنر معلم است که با طرح سؤال‌های مناسب روح علمی را در کودک پیرورد یا با سؤال‌های نادرست، دانش‌آموز را به‌سوی حفظ سطحی مطالب کتاب سوق دهد و او را برای همیشه از درس و مدرسه بیزار کند.

وعده داده بودیم نمونه سؤال‌های عملکردی را در هر پایه تقدیم شما کنیم. این شماره نوبت پایه ی دوم است.

در اولین درس، دانش‌آموز با روش دقیق دیدن و یادداشت‌برداری آشنا می‌شود. معلم، در هنگام تدریس این درس، با نمایش تصویر مناسب یک بیشه‌زار، از دانش‌آموز می‌خواهد ویژگی‌های مهم این صحنه را بنویسد.

۱. در این بیشه‌زار چند درخت و چند بوته مشاهده می‌کنید؟ آیا حیوانی در تصویر می‌بینید؟ نظر خود را درباره‌ی این تصویر بنویسید.



در فصل دوم، آب‌وهوای سالم و چگونگی نگهداری از محیط‌زیست و منابع آب بررسی می‌شوند. بنابراین، معلم محترم می‌تواند از دانش‌آموزان بخواهد راه‌هایی برای چگونگی حفظ محیط‌زیست و چگونگی مصرف صحیح آب بیابند.

۲. با رسم شکل چگونگی آلوده شدن رودخانه‌ای را نشان دهید.

۳. تفاوت دو تصویر را بنویسید.

۹. هر یک از تصویرهای زیر به کدام فصل سال مربوط است؟



۱۰. در شکل زیر جهت باد را مشخص کنید.



۱۱. در هر یک از تصویرهای زیر انسان از چه چیزی استفاده می‌کند؟



آزمایش

بهمن‌ماه
دوره ی بیست و پنجم
شماره ی ۵ | ۱۴۰۰



کتاب علوم دوم ابتدایی



زنگ علوم در پیشه‌زار



مراحل تهیه نان

فصل یازدهم بسیار اهمیت دارد، زیرا به مراحل رشد خود کودک اشاره می‌کند و نکته‌های با اهمیتی را به دانش‌آموز یاد می‌دهد؛ از نگهداری دندان‌ها تا مراقبت از سلامتی کودک.

■ ۲۳. چرا بعضی از هم‌کلاسی‌های شما یک یا چند دندان‌شان افتاده است؟

■ ۲۴. وزن و قد خود را بنویسید.

■ ۲۵. چگونه از دندان‌های خود مراقبت می‌کنید؟

در فصل‌های دوازدهم، سیزدهم و چهاردهم، کتاب با زیرکی به دانش‌آموزان می‌آموزد، چه موادی برای بدن مفید و کدام مواد برای بدن اهمیت کمتری دارند. بنابراین، سؤال‌های بعدی در این باره مفید خواهند بود:

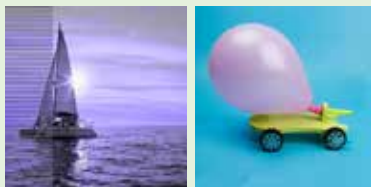
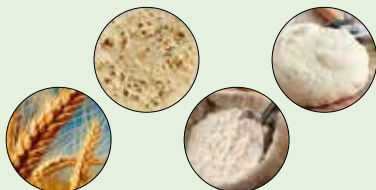
■ ۲۶. کدام یک از تصویرهای زیر مواد مهم برای بدن را نشان می‌دهند و از کدام مواد باید بسیار کمتر استفاده کرد؟



■ ۲۷. دور ریز هر یک از مواد زیر را باید در چه سطل زباله‌ای ریخت؟ سطل مخصوص هر زباله را بکشید و زباله را درون سطل مناسب بریزید.



■ ۲۸. تصویرهای زیر مراحل تهیه نان را نشان می‌دهند. با شماره‌گذاری ترتیب آن‌ها را مشخص کنید.



موضوع فصل نهم بررسی چگونگی رشد و تولیدمثل گیاهان است. بنابراین، می‌توان از چنین پرسش‌هایی استفاده کرد:

■ ۱۹. تصویر چند دانه در زیر رسم شده است؟ نام هر دانه را بنویسید.



■ ۲۰. با رسم چند تصویر مراحل متعدّد کاشت لوبیا را مشخص کنید.

■ ۲۱. توضیح دهید گیاه زیر چگونه تولید تکثیر می‌شود؟



در فصل دهم، کتاب چگونگی رشد و تولیدمثل جانوران بررسی می‌شود. بنابراین، چنین سؤال‌هایی مناسب به نظر می‌رسند:

■ ۲۲. در تصویرهای رشد و تولید کرم ابریشم، ترتیب درست را شماره‌گذاری کنید.



در فصل‌های پنجم و ششم، کتاب موضوع صدا و نور را بررسی می‌کند. بنابراین، می‌توان از این قبیل سؤال‌ها استفاده کرد:

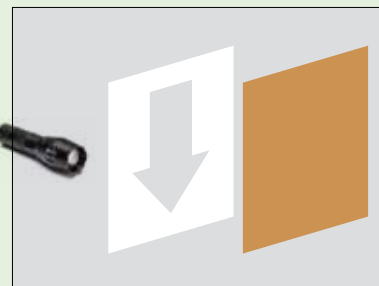
■ ۱۳. با رسم چند شکل چند روش برای تولید صدا مشخص کنید.

■ ۱۴. در هر یک از تصویرهای زیر مشخص کنید، کدام صدای تولیدشده نازک و کدام یک کلفت است؟



■ ۱۵. چند صدای خوب و چند صدای آلوده‌کننده‌ی محیط را بنویسید. یا خوب گوش دهید و چند صدای آرامش‌بخش و چند صدای گوش‌آزار را نام ببرید.

■ ۱۶. در شکل زیر تصویر روی دیوار را رسم کنید



■ ۱۷. درختی را در پارکی در نظر بگیرید. در کدام زمان‌ها سایه‌ی درخت بلند و در کدام زمان سایه‌ی آن کوتاه است؟

(الف) صبح
(ب) ظهر
(ج) عصر

بخش هفتم انرژی‌های فسیلی و انرژی‌های خورشیدی را بررسی می‌کند. نمونه‌سؤال‌های بعدی را می‌توان برای این فصل طرح کرد.

■ ۱۸. کدام تصویر نشان‌دهنده‌ی آن انرژی است که محیط‌زیست را آلوده می‌کند و کدام تصویر مربوط به آن انرژی است که محیط‌زیست را آلوده نمی‌کند؟

آیندازی

پنجم‌ماه
دوره‌ی بیست و پنجم
شماره‌ی ۵ | ۱۴۰۰

۴۵

اولیای توانمند کم نداریم!



■ انجمن اولیا و مربیان مدرسه چگونه فعال شد؟

با معتمدان روستا جلسه برگزار کردیم. از ظرفیت‌های بیرونی همچون دهیار، شورا و روحانی روستا استفاده کردیم. آن‌ها پذیرفتند برای برون‌رفت از مشکلات باید پای کار بیایند تا انجمن بتواند بازوی توانمندی برای مدرسه باشد. اولویت‌هایمان را مشخص کردیم. با توجه به ساختمان فرسوده‌ی مدرسه، اولویت را ساخت مدرسه قرار دادیم. مدیر وقت آموزش و پرورش منطقه را به جلسه‌مان دعوت کردیم و به او اعلام کردیم در روستا این ظرفیت وجود دارد که ما بخشی از هزینه ساخت مدرسه را تأمین کنیم. موافقتشان را گرفتیم و با انعقاد تفاهم‌نامه، کار ساخت مدرسه شروع شد. در نهایت همه به تعهدات خود عمل کردند و ظرف دو سال مدرسه‌ای با هفتصدمتر زیربنا و فضای بسیار مناسب ساخته شد. به این ترتیب توانستیم اولین قدم را برداریم. در اقدام بعدی، با کمک‌های مردمی، بخشی از تجهیزات مدرسه را تأمین کردیم. ما به‌عنوان اولین روستا در سطح شهرستان قائنات، ۱۱ کلاس درس را به تجهیزات هوشمندسازی مجهز کردیم.

■ اولیا چطور اعتماد کردند و با شما همراه شدند؟

اگر اولیا حس کنند در مدرسه برای فرزندانشان کار انجام می‌شود و مدیر یا هر فرد دیگر دلسوزانه و خالصانه برای بچه‌ها تلاش می‌کند، اعتمادشان جلب می‌شود و

وقتی به‌عنوان مدیر مدرسه وارد این روستا شدم، فضای فیزیکی مدرسه فرسوده بود و امکانات مناسبی نداشت. در این فضا ۲۵۰ دانش‌آموز دختر و پسر درس می‌خواندند. معلمان توانمند تمایلی به انتخاب این مدرسه به‌عنوان محل خدمت خود نداشتند، چرا که این ذهنیت بین آنان شکل گرفته بود که مدرسه‌ی این روستا امکانات بسیار کمی دارد. در همان ابتدای کار، درباره‌ی منطقه‌ی جغرافیایی، ظرفیت روستا و مردم آن، بررسی کردم. متوجه شدم خوش‌بختانه، عموماً ساکنان روستا از طبقه متوسط به بالا هستند و در امور خارج از مدرسه به‌خوبی هزینه می‌کنند. گفتم چه بهتر از این! من در حال حاضر امکانی دارم که شاید کمتر مدرسه‌ای داشته باشد. از توانمندی‌ها باید استفاده کرد. بنابراین، سعی کردم از بازوی انجمن اولیا و مربیان استفاده و آن را از حالت فرمایشی خارج کنم تا فعال‌تر و پویاتر شود.

املیلا صمدی
آموزگار ابتدایی



با خبر شدیم، مدیر دبستان پسرانه‌ی برکت در روستای «تیغاب» شهرستان قائنات استان خراسان جنوبی از طریق انجمن اولیا و مربیان و جلب مشارکت اولیا توانسته است اتفاقات خوبی را برای غنی‌سازی مدرسه رقم بزند. از این رو مشتاق شدیم از تجربه‌های جمشید اربابی بشنویم که از سال ۱۳۸۵ تاکنون مدیر دبستان برکت است. اربابی مدرک کارشناسی آموزش ابتدایی دارد و از سال ۱۳۷۳ فعالیت ارزشمند خود را در آموزش و پرورش آغاز کرده است. آنچه در ادامه می‌خوانید، خلاصه‌ای است از گفت‌وگوی تلفنی ما با این مدیر تأثیرگذار.

■ در مدرسه‌تان با چه مسئله‌ای مواجه بودید که به فکر جلب مشارکت اولیا و فعال کردن انجمن اولیا و مربیان افتادید؟

آموزشی

پنجم ماه
دوره نهم و پنجم
شماره ۵ | ۱۴۰۰

۴۶



موقعیت جغرافیایی و ظرفیت منطقه، شغل و توانایی مردم در نحوه‌ی جلب مشارکت تأثیرگذار است. لازم است نیازهای اولیا را بشناسیم. ما از ظرفیت کشاورزی روستا استفاده کردیم. همکاران مناطق دیگر ممکن است از ظرفیت صنعت، دامپروری، معادن یا نیروی انسانی استفاده کنند و از این طریق تغییر و تحول ایجاد کنند. جلسات انجمن در روستا نباید به مدرسه محدود باشد. نگاهمان را توسعه دهیم و به ظرفیت‌های بیرون مدرسه بپندشیم. به این ترتیب کمکی می‌شود به سرانه‌ای که آموزش و پرورش به هر دانش‌آموز می‌دهد.

به مرور نگاه و نگرش اولیا نسبت به مدرسه تغییر کرد. خودشان پیشنهاد می‌دادند اگر دانش‌آموزی دچار مشکل مالی است، حتماً به ما اعلام کنید. آن‌هایی که قبلاً با مدرسه بیگانه بودند، هر هفته به مدرسه سر می‌زدند. مدرسه و روستا از سستی درآمد. مردم به خود آمدند که برای داشتن روستایی بهتر باید تلاش کنند. دیگر مدرسه از اولیا جدا نبود. وقتی همراه با مردم باشیم و با آن‌ها حرکت کنیم، سنگ تمام می‌گذارند. اگر مردم آگاه شوند که آموزش و پرورش بخشی از خانواده‌شان و زیربنای رشد و توسعه‌ی کشور است، مطمئناً با آن همراه می‌شوند. شغل مردم روستای ما عمدتاً کشاورزی و عمده‌ی محصول آن‌ها پسته و زعفران است. اکنون مردم به این نگاه رسیده‌اند که در فصل برداشت محصول مدرسه را در اولویت قرار دهند. بنابراین، مدرسه‌ی ما درآمد خوبی دارد. با حضور نیروهای توانمند در مدرسه توانستیم در سه سال رتبه‌ی اول درس‌پژوهی و الگوهای برتر تدریس استان خراسان جنوبی را کسب کنیم. همچنین، چندسال به‌عنوان انجمن برتر در سطح وزارتخانه، سه رتبه‌ی برتر استانی و چهار رتبه‌ی برتر شهرستانی را به دست آوردیم.

■ آن دسته از خوانندگان مجله که با اولیای توانمندی روبه‌رو نیستند، چگونه می‌توانند تجربه‌ی شما را در مدرسه‌ی خود پیاده کنند؟

پای کار می‌آیند. من حتی در امور عمرانی پیش‌قدم می‌شدم و بیل و کلنگ به دست می‌گرفتم. خیلی اوقات بعد از پایان ساعت کارم در مدرسه می‌ماندم. در جلسات روستا شرکت می‌کردم. ایده‌هایم را با اولیا مطرح می‌کردم و با هم مشورت می‌کردیم. اولیا وقتی می‌دیدند من دغدغه دارم، خودشان هم دغدغه پیدا می‌کردند. من اولیا را بخشی از زندگی و خانواده‌ی خودم می‌دانم. سعی می‌کنم در خارج از امور مدرسه هم به مردم روستا کمک کنم. در پیگیری ساخت کتابخانه‌ی عمومی و مرکز بهداشتی درمانی روستا کمک کردم. دانش‌آموزان نیازمند روستا را شناسایی و به خیرین معرفی کردم. در تابستان در مدرسه حضور داشتم تا با جذب نیروهای تحصیل‌کرده‌ی روستا برای دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل کلاس برگزار کنم.

هیچ‌گاه برای کمک اولیا به مدرسه، برایشان نامه نفرستادم. حتی وقتی واریز پول کتاب یا بیمه‌ی دانش‌آموز به تأخیر می‌افتاد، اولیا را برای پرداخت مبلغ تحت فشار قرار نمی‌دادم. ممکن بود در آن دوره‌ی زمانی اولیا امکان پرداخت نداشته باشد. بنابراین، خودم به نحوی بودجه را تأمین می‌کردم. بعدها خودشان متوجه می‌شدند و پرداخت می‌کردند و از این رفتار ما خرسند بودند.

■ این فعالیت‌ها چه نتایج و دستاوردی برای کلاستان داشتند؟

از هر کدام از اولیا که توانایی ویژه‌ای داشت و می‌توانست آن را در مدرسه به کار گیرد، بهره می‌بردیم. در کارهای عمرانی از بناهای روستا کمک می‌گرفتیم. اولیا با وسیله‌ی شخصی خود کار انتقال مصالح و تجهیزات مدرسه را انجام می‌دادند، بی‌آنکه حرف از کرایه بزنند. با مرکز نیکوکاری روستا ارتباط برقرار کردیم و بخشی از کمک‌ها را از این مرکز جذب کردیم. به دهیار روستا پیشنهاد دادیم چمن مصنوعی روستا را در کنار مدرسه احداث کنند و آن‌ها هم استقبال کردند.

پهن‌ماهی

دوره‌ی بیست و پنجم
شماره‌ی ۵ | ۱۴۰۰

۴۷



عکاس: ثریا ابراهیمی

دوشنبه‌های طلایی



اعظم لاریجانی

ایجاد فرصت آموزشی باکیفیت همیشه پرهزینه نیست. یکی از ساده‌ترین راه‌ها، برنامه‌ریزی برای فعالیت‌هایی بیرون از کلاس درس است که هم فال است و هم تماشا. کلاس تنها جایی نیست که بچه‌ها یاد می‌گیرند. خوب است، روزی در هفته یا حتی در ماه، بچه‌ها را به حیاط مدرسه، پارک یا طبیعت ببریم. برای مثال این روز می‌تواند دوشنبه باشد. به این ترتیب، در تمام طول هفته بچه‌ها منتظر وقت طلایی دوشنبه هستند. بگذارید در این دوشنبه‌ی طلایی گل بچینند. دور هم قصه بخوانند، برای شمارش در درس ریاضی، سنگ جمع کنند، برگ‌های متفاوت را بررسی و جمع‌آوری و در کارهای هنری‌شان از آن‌ها استفاده کنند. بگذارید با دیگران همکاری کنند و دنیای خود را گسترش دهند. آن‌ها در این کاوش‌ها می‌توانند توانایی‌های پنهان خود را بشناسند. می‌توان آن‌ها را به مشاهده و به فکر کردن ترغیب کرد. با جملاتی مثل «چه می‌بینی؟» و «درباره‌ی این موضوع چه فکر می‌کنی؟» از آن‌ها بخواهیم نقش دانشمندی را بازی کنند که می‌جوید، می‌یابد و می‌نویسد. چقدر برای آنان لذت‌بخش است که خود مسئول یادگیری خویش شوند! بسیاری از دانش‌آموزان ترجیح می‌دهند، به جای خواندن و تلمبار کردن اطلاعات در ذهنشان، ببینند، بشنوند، لمس و تجربه کنند. با احترام به خواسته‌ی آن‌ها، فرصت دهیم تا مجذوب دانستن شوند.

آیندازی

پهمن‌ماه
دوره‌ی بیست و نهم
شماره‌ی ۵ | ۱۴۰۰

۴۸



نهضت امام‌موازنه اول‌كاره



۱. اتحاد نظام مستقل

برایم از انقلاب اسلامی ایران بگو

هدف انقلاب در درجه اول این بود که نظامی در داخل کشور به وجود یسورد که وابسته نباشد؛ بلکه مستقل باشد. ۱۳۵۷

نهضت امام‌موازنه اول‌كاره



۲. تشکیل نظام مردمی

برایم از انقلاب اسلامی ایران بگو

با این انقلاب، ما به هدف تشکیل يك نظام مردمی رسیدیم، و در این هیچ شکی نیست که نظام جمهوری اسلامی، مردمی است. ۱۳۵۷

نهضت امام‌موازنه اول‌كاره



۳. رواج اخلاق فاضله

برایم از انقلاب اسلامی ایران بگو

رواج اخلاق فاضله، یکی از ارزشها بود. مردم مایل بودند که اخلاق نيك و خفیات اسلامی پسندیده در بین آنها شیوع پیدا کند. ۱۳۵۷

نهضت امام‌موازنه اول‌كاره



۴. حذف فرهنگ حودی

برایم از انقلاب اسلامی ایران بگو

مردم می‌خواستند که این کشور از لحاظ فرهنگی، با فرهنگ صیق و غشی‌ای که دارد، کشورگروانه تابع و دنباله‌رو فرهنگ بیگانه نباشد. ۱۳۵۷

نهضت امام‌موازنه اول‌كاره



۵. آزادی

برایم از انقلاب اسلامی ایران بگو

اقبل از انقلاب، آزادی فکر، آزادی بیان و آزادی تصمیم‌گیری هم نبود. مردم این را نمی‌خواستند؛ می‌خواستند این آزادی‌ها باشد. ۱۳۵۷

نهضت امام‌موازنه اول‌كاره



۶. برانداختن شرعیت

برایم از انقلاب اسلامی ایران بگو

آن چیزی که مردم را وادار می‌کرد حاسیت نشان دهند، رفتارهای مسرقانه و متجملانه و ولخرجیا با مال مردم در سطح حکومت بود. ۱۳۵۷

نهضت امام‌موازنه اول‌كاره



۸. ایجاد زندگی آبرومند

برایم از انقلاب اسلامی ایران بگو

انقلاب ما برای این بود که يك زندگی آبرومند و شرافتمند انسانی را در سایه اسلام برای مردم میا کند، این هدف انقلاب ما بود. ۱۳۵۷

نهضت امام‌موازنه اول‌كاره



۹. حاکمیت اسلام

برایم از انقلاب اسلامی ایران بگو

انقلاب برای حاکمیت اسلام بود. مردم هم که این انقلاب را به پا کردند و امام را پذیرفتند، برای انگیزه اسلامی بود. ۱۳۵۷

نهضت امام‌موازنه اول‌كاره



۱۰. برقراری عدالت

برایم از انقلاب اسلامی ایران بگو

انقلاب برای این است که عدالت برقرار شود. عدالت، هدف پیغمبران است؛ هدف انقلاب اسلامی هم بوده است. ۱۳۵۷